

## Pazand, A language or a writing system?

Dalvand, Hamidreza <sup>1</sup> 

Institute for Humanities and Cultural Studies

### Abstract

Pazand texts are a part of the intellectual heritage of Zoroastrianism, which, regardless of their often prayerful and ritualistic content, is a dilemma in the history of the Persian language. What we know as Pazand are some Middle Persian texts that were transcribed from the ambiguous Pahlavi script to the clear and vocalic Avesta script around the 12th century. The writing of Pazand continued until the 19th century in Iran and India, and a corpus has emerged which, according to some faile readings, has acquired the characteristic of the new period of the Persian language, but both Pazand writers and users of their works believed that they presented a text from the Middle Ages.

Always on the issue of whether the change of script led to the change of language or not? It has been discussed and reasons can be mentioned. In the following discussion, an attempt has been made to answer this question by examining eight text samples from different periods of Pazand corpus in Iran and India, that in the process of Pazand, the change of script has led to an independent language?


**Keywords:** Pazand texts; Zoroastrianism; Middle Persian; Pahlavi

---

1. zurvandad@yahoo.de

**How to cite:** Dalvand, H. (2022). Pazand, A language or a writing system?. *Language and Linguistics*, 18(36), 211-242. doi: 10.30465/lsi.2023.44197.165110:00

## پازند، زبان یا خط؟

دالوند، حمیدرضا  استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

**چکیده:** متون پازند بخشی از میراث فکری کیش زردشتی است که فارغ از محتوای اغلب نیایشی و آیینی آنها، معمایی در تاریخ زبان فارسی است. آنچه را به نام پازند می‌شناسیم، پاره‌ای از متن‌های فارسی میانه هستند که حدود سده ۱۲م از خط مبهم پهلوی به خط روشن و آوایی اوستا نقل شده‌اند. پازندنویسی تا سده ۱۹م در ایران و هند ادامه داشته است و پیکره‌ای پدید آمده است که به اعتبار برخی قرائت‌ها ویژگی دوره نو زبان فارسی را گرفته است. اما هم پازندنویسان و هم کاربران آثار آنها بر این باور بودند که متنی از دوره میانه را ارائه کرده‌اند.

همواره بر سر این موضوع که تغییر خط منجر به تغییر زبان شده یا نه، بحث بوده است و دلایلی می‌توان ذکر کرد. در گفتار پیش رو کوشش شده تا با بررسی هشت نمونه متن از دوره‌های مختلف پازندنویسی در ایران و هند، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا در فرایند پازندنویسی دامنه تغییرات زبانی به اندازه‌ای بوده که به وجود زبان مستقلی قائل باشیم؟

**کلیدواژه‌ها:** سنت زردشتی در روزگار اسلامی، پازندها، زبان پهلوی، خطوط باستانی، زردشتیان.

## ۱ مقدمه

از جمله بحث‌های رایج پیرامون پازند یعنی نقل متون فارسی میانه از خط مبهم پهلوی به

خط آوایی و بی‌ابهام اوستایی (آموزگار، ۱۳۸۶)، پاسخ به این پرسش است که بیکره موجود پازندها را می‌توان زبان یا گونه‌ای زبانی فرض کرد و پذیرفت که تغییر خط تغییر زبان را هم در پی داشته است؟ اگر چه برخی تا این حد پیش رفته‌اند که ارزش زبانی برای پازند قائل باشند و حتی برای آن دستور زبان ساخته‌اند (اشپیگل<sup>۱</sup>، ۱۸۵۱)، ولی واقعیت این است که این وجه از پازند و پازندنویسی را به این آسانی نمی‌توان داوری کرد.

آن‌هایی که تمایل دارند برای پازند ارزش زبانی قائل شوند، هرچند ناکافی، دلایل خود را دارند. این دلایل یا این وضعیت زبانی فریبنده، ناشی از عواملی چند است که در نگاه نخست می‌تواند توجیهی برای استقلال زبانی پازند باشد. با این وجود، دلایل دیگری داریم که به خوبی هر گونه تصور زبانی از پازند و پازند نویسی را با قطعیت رد می‌کند.

شاید بررسی چند نمونه از بیکره پراکنده متون پازند، منطقی‌ترین راه برای پاسخی تقریبی به پرسش بالا باشد و تاحدودی ما را قانع کند و به فرضیات محتمل‌تری رهنمون سازد.

## ۲ تحلیل نمونه متون پازند

برای پاسخ به پرسش اصلی این مقاله که پازند چیست و ماهیت آن چگونه است؟ به ناچار باید در پی زبان و بررسی‌های زبانی رفت. پازند خواه زبان باشد، خواه تحولی در خط و تغییر خط متون پر ابهام دوره میانه، خود بیکره‌ای از متون ایرانی با موضوع کیش زردشتی است. از آنجا که عنوان بیکره زبانی بر آن قابل اطلاق است و مجموعه‌ای از متون شناخته شده در ادوار تاریخی معین را در بر می‌گیرد، ماهیت آن نیز تنها با بررسی خط و ویژگی‌های دستوری متن‌ها مشخص و روشن خواهد شد.

چون تا کنون به دلایل گوناگون مطالعات گسترده و عمیقی درباره پازند صورت نگرفته است، هنوز زود است با قطعیت در باره همه ابعاد آن سخن گفت. بنابر این در اینجا ما نیز تنها نمونه‌هایی چند از متون را گزیده و بر مبنای آن‌ها، طبق بررسی‌های مبتنی بر نمونه‌گیری، داوری می‌کنیم و آنچه را بدست می‌آید، برکل تعمیم می‌دهیم. هرچند روشن است که در صورت افزایش نمونه‌ها، روایی پژوهش بیشتر و نتایج قابل اعتمادتر خواهد بود اما تا رسیدن به بررسی‌های عمیق‌تر، مطالعات اولیه در پیداش و شکل‌گیری فرضیات برای مطالعات بعدی ضروری به نظر می‌رسد. به هر روی در جایی که هنوز سخنی جدی با

در نظر گرفتن کل پیکره گفته نشده است، ناگزیر باید از یک جایی شروع کرد. امید این که در بررسی حاضر دست کم به فرضیات قابل قبول و منطقی تری برسیم. باشد که راهنمایی برای کلاف سر در گم پازند باشد.

در این بررسی به گزینش نمونه‌هایی از چند متن مشخص پازند پرداختیم. هدف اصلی از آوردن نمونه‌ها نشان دادن تمایزات و اختلافات خطی و املائی است و به هیچ رو بررسی معنایی و متنی در نظر نبوده است.

اساس اصلی گزینش متن‌ها این فرض است که برخی در ایران و برخی در هند پدید آمده‌اند. کوشیده شد تا بر اساس شواهد متقن و موثق نخست چند متن ایرانی و سپس چند متن هندی نمونه‌برداری شود. در هر دو مورد کهن‌ترین و موثق‌ترین متن‌ها به لحاظ پدیدآورنده، زمان و مکان پیدایش متن برگزیده شدند. هدف و غایت این گزینش نشان‌دادن ویژگی‌های سنت پازندنویسی ایرانی و هندی است. در پی این پرسش هستیم تا ببینیم متن‌های برگزیده سنتی قدیمی و رویه‌ای واحد در پازندنویسی ایرانی و هندی نشان می‌دهد یا نه؟ در صورت وحدت رویه و یا عدم وحدت رویه در خط و املائی واژگان، پیکره موجود را می‌توان گونه‌زبانی مستقلی پنداشت؟

### متن شماره ۱:

کهن‌ترین متن پازند شناخته شده ایرانی که هم تاریخ و هم پدیدآورنده و مکان پیدایش آن مشخص است، بخشی از روایت نریمان هوشنگ است که در ۸۴۷ یزدگردی در شرف‌آباد یزد به قلم هوشنگ سیاوخش و شهریار بخت‌آفرید بهرام خسروشاه انوشیروان پدید آمده است (داراب ۱۹۲۲: ۳۷۱/۲، ۳۷۹؛ دالوند ۱۳۹۹: ۱۲۷-۱۳۳). متن پازند روایت نریمان هوشنگ دو بخش است: یکی، چند پرسش و پاسخ که اصل آن پهلوی بوده و هوشنگ سیاوخش و شهریار بخت‌آفرید بهرام خسروشاه انوشیروان از روی نسخه‌ای که ماترک روانشاد جاماسب شهریار بخت‌آفرید بوده است، آن را به خط اوستایی نقل کرده‌اند و در روایات داراب هرمزدیار آمده است (داراب ۱۹۲۲: ۲۵۴/۲-۳۶۸). دیگری، تفسیر ۶ بند از گاهان، یسن ۴۵ موسوم به فروخشی هات است. این متن نیز غیر از چند سطر نخست آن که خطاب به زردشتیان نوسازی نوشته شده و درحقیقت فارسی به خط اوستایی است، از روی متن پهلوی به خط اوستایی نقل شده است (همو: ۳۷۲/۲-۳۷۹). متن شماره ۱، در بردارنده ۱۰ پرسش نخستین قسمت اول متن پازند روایت نریمان هوشنگ و نیز پازند بند ۲ یسن ۴۵ در قسمت دوم همان روایت است که از چاپ ۱۹۲۲ روایات داراب هرمزدیار برداشته شده است. واژگان متن شماره ۱ با توصیف‌گر "نریمان هوشنگ" مشخص شده‌اند.

این دو قطعه نشان می‌دهند که نخستین پازندنویسان ایرانی تا چه اندازه بر اصول پازندنویسی آگاهی و تسلط دارند. بررسی متن پازند روایت نریمان هوشنگ به عنوان کهن‌ترین متن پازند ایرانی شناخته شده در پاسخ به این پرسش که سنت پازندنویسی کی و چگونه در میان زردشتیان رواج یافت، بسیار رهگشا است.

ما در این بررسی، متن یادشده را به عنوان کهن‌ترین متن ایرانی اساس کار قرار می‌دهیم و با دیگر متن‌های متاخر ایرانی در یک گروه قرار داده و در سنجش با دیگر متن‌های در پی آن هستیم که خطوط کلی سنت و شیوه یا سبک پازند نویسی در ایران را مشخص کنیم.

### متن شماره ۲:

از روایت شاپور آسا یا کامه بهره، ۸۹۶ یزدگردی، گرفته شده است. روایت شاپور آسا که به نام‌های روایت کاما بهره کمبیتی، کامه بهره، کاما آسا و نیز شاپور بروچی آوازه دارد، از جمله روایات مفصل، بلندترین روایت موجود از پیکره روایات فارسی زردشتی، ولی پر ابهام و بحث‌انگیز در میراث عصر روایات است که در معروف‌ترین دستنویس آن، دستنویس T-30 کتابخانه مهرجی رانا (دایار ۱۹۲۳: ۱۲۰-۱۱۹)، دارای دو بخش: یکی، به پازند و دیگری، به فارسی است. موضوعات مختلف فقهی یا پرسش‌هایی که پارسیان پرسیده و دستوران ایران پاسخ داده، موضوع این روایت است. کاتب آن شهریار اردشیر ایرج رستم است و به امضای تعداد کثیری از دستوران و بهدینان منطقه یزد رسیده است (دالوند ۱۳۹۹: ۱۳۵-۱۳۸).

در اینجا مقدمه و چهار پرسش نخستین بخش پازند روایت کامه بهره از روی دستنویس T-30 آمده است که واژگان آن با توصیفگر "کامه بهره ت ۳۰" مشخص شده‌اند. چون محتوای پرسش سوم، درباره پانزده هنر هیریدان، و پرسش چهارم، پنج هنر وهان، به نقل از روایت کامه بهره در روایات داراب هرمزدیار نقل شده است (۱۹۲۲: ۱ / ۴۸۵-۴۸۶). متن روایات را در پانویس آوردیم تا تحولات احتمالی دو نسخه از یک متن واحد را نشان دهیم. واژگان این دو قطعه با توصیفگر "کامه بهره پنج هنر" و "کامه بهره پانزده هنر" آمده‌اند.

روایت کامه بهره افزون بر ابهامات مرسوم چون هویت صاحب روایت، این ابهام را نیز دارد که بخش پازند آن در ایران تهیه شده است یا در هند متن فارسی را به پازند یا الفبای اوستایی نقل کرده‌اند؟ گرچه به علل مختلف از جمله نبود نسخ کهن، داوری در این باره

دشوار است. باز ما متن یادشده را متعلق به سنت ایرانی بشمار آوردیم و فرض را بر این گرفتیم که پارسیان به حفظ اصل میراث عصر روایات وفادار بوده اند.

### متن شماره ۳:

سه روایت از یک متن است. نام ستایش از نیایش‌های زردشتی به پازند است که هم در ایران و هم در هند نسخ و صورت‌هایی از آن برجای مانده است. متن پهلوی آن حتی اگر ساختگی و تحریری متاخر باشد، نیز در دست است و دابار آن را تصحیح و چاپ کرده است (۱۹۲۷: ۲۵-۲۸). این سه روایت عبارتند از:

۱. متنی که در خرده اوستای ملبهروز، کتابت ۱۲۲۶ یزدگردی در کرمان، آمده است (۱۳۸۵: ۲۷۳-۲۷۷) و تحریری متاخر است که به اعتبار انجامه دستنویس آخرین کتابت آن در ایران صورت گرفته است، هرچند ممکنه است کاتب یا گردآورنده خرده اوستا از روی میراث موجود در هند آن را کتابت کرده باشد. واژگان این متن با توصیفگر "ملبهروز" آمده‌اند.

۲. متن مندرج در روایات داراب هرمزدیار است (۱۹۲۲: ۴۰۹-۴۱۰). دقیق نمی‌دانیم منشا ایرانی دارد و یا هندی ولی به اعتبار حضور آن در روایات داراب، زمان تقریبی آن سده ۱۱ یزدگردی و پیش از آن است و ممکن است از متونی باشد که به پیوست روایات از ایران به هند برده شده است، به همین خاطر داراب آن را در مجموعه خود آورده است. واژگان این متن با توصیفگر "داراب" آمده‌اند.

۳. متن سوم که از مجموعه متون پازند گردآوری آنتیا<sup>۱</sup> گرفته شده است (۱۹۰۹: ۱۵۸-۱۶۰)، متنی هندی باید باشد و به احتمال بیشتر از دو دیگر متن انتظار داریم به سنت پارسیان نزدیک باشد. واژگان این متن با توصیفگر "آنتیا" آمده‌اند.

از سنجش میان این سه متن می‌توان پی برد که سنت پازندنویسی در یک متن واحد در ایران و هند چگونه بوده است. علت گزینش این سه صورت از یک متن به همین سبب بود.

### متن شماره ۴:

فصل دوم شکند گمانیک از متن تصحیح جاماسپ آسانا است (۱۸۸۷: ۱۰-۱۳). این متن از متون کهن پازند نویسی درسنت پارسیان است و متعلق به نریوسنگ یا حلقه شاگردان او، حدود سده ۶عی، است. واژگان این متن با توصیفگر "شکندگمانیک" آمده‌اند.

1. Antia

### متن شماره ۵:

فصل ۱۶ از متن پازند مینوی خرد، چاپ وست (۲۳: ۱۸۷۱-۲۵) است. این متن هم از کهن‌ترین متون سنت پازندنویسی در میان پارسیان است. واژگان این متن با توصیفگر "مینوی خرد" آمده‌اند.

### متن شماره ۶:

از سرآغاز ارداویرافنامه، مندرج در متون پازند آنتیا (۱۹۰۹: ۳۶۰-۳۶۱) است. اگرچه این سرآغاز با دیباچه متن پهلوی ارداویرافنامه متفاوت است ولی از جمله متن‌هایی است که به احتمال بسیار در هند تدوین شده است و متعلق به سنت هندی باید باشد. واژگان این متن با توصیفگر "ارداویرافنامه" آمده‌اند.

سه متن شماره ۴، ۵ و ۶ نمونه‌هایی از سنت کهن پازندنویسی پارسیان فرض شده‌اند. و سه متن نخست، به استثنای متن نام ستایش آنتیا، همگی متعلق به سنت پازند نویسی ایرانی باید باشند. در حقیقت ما نمونه‌هایی از دو گروه: متون ایرانی، پدید آمده در سده های ۹-۱۳ یزدگردی، و متون هندی یا پارسی، پدید آمده حدود سده ۶-۱۳ یزدگردی، فراهم آورده‌ایم و می‌کوشیم بر اساس آن‌ها ویژگی هر دو سنت را در بستر خط و تحولات دستوی بررسی کنیم.

### ۳ خط در متون پازند بررسی شده

در متن‌های ششگانه دو سنت ایرانی و هندی پازندنویسان، بررسی خط و ارزش‌گذاری نویسه‌های اوستایی در تطبیق با نظام آوایی پهلوی، می‌تواند ما را در یافتن پاسخ موثقی برای این پرسش یاری کند که پازندنویسی امری مسبوق به سابقه و به هنجار و مورد توافق همگان بود یا نه واکنشی فوری و ضروری و پراکنده از سوی فرزندان جامعه زردشتی در مقاطع و نواحی مختلف باید بشمار آورد؟

### الف. واژه‌ها:

**A و a و L و l:** از جمله ابهامات و محل‌های اختلاف در املاهای پازند، حروف **A و a** و **L و l** است. منشا ابهام و اختلاف املاها، از یک سو قرائت‌های متفاوت متن پهلوی و از دیگر سو، تنوع نشانه‌های اوستایی برای واج‌ها و واج گونه‌های **A و a** است:

**a** با نشانه **a** به علت منحصر به فرد بودن نشانه به خودی خود چندان محل ابهام نیست: **mOxtan** & آموختن: نریمان هوشنگ؛ اما به علت اختلاف در قرائت‌های متفاوت است که با **v** نشانه **v** در هم آمیخته می‌شود.

& با دو نشانه L و &: به پیروی از سنت اوستایی (هوفمان ۱۳۶۹: ۲۰۶) بطور معمول در هر دو سنت ایرانی و پارسیان هند پیش از n و m می‌آید. ضمیر اشاره "آن" از جمله موارد پر بسامدی است که به عنوان شاخصی برای تمایزات دو سنت پازندنویسی ایرانی و هندی می‌تواند مطرح شود. در سنت ایرانی بطور معمول تاکید بر آن است که n / n پایانی بیاید و نشان داده شود. این درحالی است که در سنت هندی تمایل به حذف این نشانه است: ایرانی Ln "آن"، پارسیان L "آن".

نمونه‌های دیگر: &mOxtan آموختن: نریمان هوشنگ؛ b&mI روشن: داراب؛ ملابهروز؛ iC&n ایشان: نریمان هوشنگ؛ iS&n نریمان هوشنگ؛ VS& ایشان: شکندگمانیک؛ ارداویرافنامه؛ d&Im دام، آفریده: نریمان هوشنگ؛ d&m نریمان هوشنگ؛ d&m&n نریمان هوشنگ؛ داراب؛ dAm&n آنتیا؛ داراب؛ ملابهروز؛ مواردی چون: bAmI بامی روشن: آنتیا؛ bLT باد، بیاشد: کامه بهره ت ۳۰؛ bAT باد: کامه بهره ت ۳۰؛ آنتیا؛ نشان از در آمیختگی و کار برد نادرست A به جای L دارد.

A با نشانه A در: AB آب: شکندگمانیک؛ Ab آب: ملابهروز؛ aBA مینوی خرد؛ aBArUN گناه، بدی: مینوی خرد؛ AbarvT آورد: مینوی خرد؛ aBAxS پشیمان: ملابهروز؛ aBazAET افزایش: مینوی خرد؛ و غیره، در مواضع مختلف واژگان آمده است. در آمیختگی a با A نتیجه قرائت‌های متفاوت واژگان پهلوی است: ABayaT باید: پر بسامد در مینوی خرد؛ aBarV دیگر: ارداویرافنامه؛ l با نشانه l در: ayl یا: نریمان هوشنگ؛ aiil یا: شکندگمانیک؛ به نسبت دیگر نشانه‌ها، در متن‌های بررسی شده بسامد اندکی دارد.

بر اساس موارد بالا می‌توان گفت، گذشته از پای‌بندی نسبی پازندنویسان به سنت اوستایی، آوردن L پیش از خیشومی‌ها، مهمترین علل اختلاف در استفاده پازندنویسان از واکه a و L و A عبارتند از: ۱- تفاوت در قرائت کوتاه و بلندی واکه‌ها، ۲- تشابه و تنوع نشانه‌های بلند اوستایی است.

v و V: v با نشانه v برای نشان دادن a و e و i و o در: aBarOZvNd افروزند، سابند، صیقل دهند: مینوی خرد؛ aBarOZvT افروزد، مینوی خرد؛ AbarvT آورد: مینوی خرد؛ aBdvm سرانجام: ملابهروز؛ aWaDvm سرانجام: آنتیا؛ AgArihvNd ناکار شوند: شکندگمانیک؛ man من: نریمان هوشنگ؛ mvn من: ارداویرافنامه؛ manaCni منش: نریمان هوشنگ؛ manvCn نریمان هوشنگ؛ manvSn مینوی خرد؛ manvSni ارداویرافنامه؛ mvnvCne ملابهروز؛ mvnvSn کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پانزده هنر؛ V با نشانه V برای نشان دادن i: aBarV دیگر: ارداویرافنامه؛ V با نشانه V به جای E: aNgVzasni انگیزش: آنتیا؛ AxVZvT برخیزد: مینوی خرد؛ dVW&n دیوان: آنتیا؛



در آمیختگی V با I و i در: bVT بود: نریمان هوشنگ؛ داراب؛ آنتیا؛ bit نریمان هوشنگ؛ ملابهروز؛ bit بود: نریمان هوشنگ؛ bVSIT آزارد: نریمان هوشنگ؛ bVSt مینوی خرد؛ bVSvT مینوی خرد؛ iC&n ایشان: نریمان هوشنگ؛ iS&n نریمان هوشنگ؛ VS& ایشان: شکندگمانیک؛ ارداویرافنامه؛ IstanT ایستند: نریمان هوشنگ؛ IstaNT نریمان هوشنگ؛ VstVT است: فعل کمکی در ترکیب فعلی ماضی نقلی: نریمان هوشنگ؛ vstvT شکندگمانیک؛ مینوی خرد؛ mih مه، بزرگ: نریمان هوشنگ؛ mih آنتیا؛ mvh مینوی خرد؛ mihast داراب؛ mihist ملابهروز؛ mihVsta آنتیا؛ mihi نریمان هوشنگ؛ mihi داراب؛ nIKO نیکو: نریمان هوشنگ؛ nkaET نیک: نریمان هوشنگ؛ nVk مینوی خرد؛ nyak کامه بهره ت ۳۰؛ nVkaS آنتیا؛ nVkl نریمان هوشنگ؛ مینوی خرد؛ ارداویرافنامه؛

دو واکه v و V به سبب قرائت‌های متفاوت پازندنیسان از واژگان پهلوی و هم‌آوایی نزدیک آن‌ها با واکه‌های e و i، همچنین نبود معیار جدی جهت تمایز دقیق صورت‌های کشیده و کوتاه واکه‌های مذکور، یکی دیگر از کانون‌های پریشانی املائی در نظام نوشتاری پازند هستند.

**i و I:** i با نشانه i میان هشت، میان ضمیر اشاره و ضمیر متصل شخصی: "Lnit" آن تو": ملابهروز؛ داراب؛

i با نشانه i کسره اضافه که بطور معمول چسبیده به واژه پیش از خود یا مضاف است: Lni ملابهروز، پر بسامد در متون مورد بررسی؛ برای نشان دادن پسوند Ih: aBdi شگفتی: ملابهروز؛ برای موارد بیشتر نک. بخش دستور، زیر پسوند مورد اشاره.

i با نشانه i در: WimArI بیماری: مینوی خرد؛ WinAh گناه: نریمان هوشنگ؛ Winam بینم: نریمان هوشنگ؛ Winom شکندگمانیک؛ WinvSni مینوی خرد؛ Wisp همه: Wis همه: نریمان هوشنگ؛ داراب؛ FiraDI خردی: داراب؛ FirdI آنتیا؛ FiraT خرد: داراب؛

I با نشانه I: aBaxCIdAr بخشاینده: ملابهروز؛ جایگزین با E در همان واژه و در همان متن: aBaxSEdAr ملابهروز؛ aBazUnI افزونی: در کامه بهره پنج هنر؛ aBlja اویژه، پاک: پر بسامد در ملابهروز؛ ABInAre آراید: ملابهروز؛ aCvm Wohl دعای اشم وهو...: کامه بهره ت ۳۰؛ ApirInId آفرینید: کامه بهره ت ۳۰؛

تشابهات آوایی i با v و e و عدم وجود معیار قطعی در نمایش واکه‌های کوتاه و بلند، از جمله مهمترین علل اختلاف پازندنیسان در استفاده از نشانه‌های یادشده است.

**e و E:** e با نشانه e: ABInAre آراید: ملابهروز؛ ABInAre آراید: ملابهروز؛ gOe

گو، بگو: ارداویرافنامه؛ gOem آنتیا؛ gOeNd ارداویرافنامه؛ SaheryArvS شهریار: آنتیا؛  
 kunvCne ملبهروز؛ m&qraspvNtahe آنتیا؛ mvnvCne ملبهروز؛ ne نه: نریمان  
 هوشنگ؛ nigarIe نگر: ارداویرافنامه؛ hUjIwiCne نیک زیوشنی، زندگی نیکو: نریمان  
 هوشنگ؛

E با نشانه E: aBaxSEdAr بخشاینده: ملبهروز؛ جایگزین با I در همان واژه و  
 در همان متن: aBaxCIdAr بخشاینده: ملبهروز؛ aBazAET افزایش: در مینوی خرد؛ Ek  
 یک: داراب؛ OiE کامه بهره

ae و ae به جای E: daEw& دیوان: داراب؛ daEwLn ملبهروز؛ maE می: مینوی  
 خرد؛ ت ۳۰؛ raynIDAre داراب؛ paEDA پیدا: نریمان هوشنگ؛ paEDA نریمان  
 هوشنگ؛ paEmL پیمان: مینوی خرد؛ paEsIT نقش و نگار، رنگارنگ:  
 ملبهروز؛ hutaxCae هوتخشی، هنر و صنعت: کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پنج  
 هنر؛ aeDUn ایدون؛ نریمان هوشنگ؛ aew&n ایشان: نریمان هوشنگ؛ daen دین:  
 نریمان هوشنگ؛ gaeh&n جهان: نریمان هوشنگ؛ namAET نماید: مینوی  
 خرد؛ nkaET نیک: نریمان هوشنگ؛ paEDA نریمان هوشنگ؛ paEmL پیمان: مینوی  
 خرد؛ paEsIT نقش و نگار، رنگارنگ؛ paoyO.TakaES&n پوریوتکیشان: کامه بهره  
 پنج هنر؛ کامه بهره ت ۳۰؛ gaEh&ny&n جهانیان: نریمان هوشنگ؛ gEqyA آنتیا؛ gOEm  
 نریمان هوشنگ؛

بنابر موارد بالا باید گفت، نبود معیار قطعی برای تمایز کشیدگی و کوتاهی واکه‌ها،  
 در آمیختگی با واکه‌های v و i و از همه مهمتر، تاثیر املائی اوستایی به ویژه استفاده از  
 صورت ترکیبی ae، عواملی هستند که سبب پریشانی در استفاده از نشانه‌های مورد  
 بررسی در میان پازند نویسان شده است.

**o و O:** با نشانه o: garoqm&n داراب؛ hormvzd اورمز: ارداویرافنامه؛  
 ormvzd نریمان هوشنگ؛ paroT-tar فروتر: نریمان هوشنگ؛ raoCn داراب؛  
 rob&n روان: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره روشن: نریمان هوشنگ؛  
 SoiT نریمان هوشنگ؛ Winom شکندگمانیک؛ Wouru-barSt وروبرشتی:  
 مینوی خرد؛ Wouru-zarSt وروجرشتی: مینوی خرد؛ Xonat mI می خوانند: کامه بهره  
 ت ۳۰؛ در آمیختگی o و O: aCvm WohI دعای اشم وهو: کامه بهره ت ۳۰؛  
 aCvm WOHu آنتیا و داراب؛ ayAo یا: مینوی خرد؛

O با نشانه O: در mOxtan آموختن: نریمان هوشنگ؛ a!O اشو: آنتیا؛  
 aBarOZvNd افروزند، سابند، صیقل دهند: مینوی خرد؛ aBarOZvT افروزد، مینوی خرد؛

aBasOs افسوس، مسخره: مینوی خرد؛ bahOT بود: شکندگمانی؛ مینوی خرد پر بسامد؛ bOT بُود، باشد: ملابهروز؛ bOxtan بختن: نجات یافتن: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره ت ۳۰؛ baOxtAr ملابهروز؛ gaosfvNT گوسفند: داراب؛ gaOspvNT ملابهروز؛ gOspvNdL مینوی خرد؛ gOspvNT آنتیا؛

در آمیختگی u و O و ao و o: guftan گفتن: مینوی خرد؛ نریمان هوشنگ؛ guft گفت: نریمان هوشنگ؛ مینوی خرد؛ gupt کامه بهره ت ۳۰؛ ارداویرافنامه؛ gaoim گویم: نریمان هوشنگ؛ gaOyam نریمان هوشنگ؛ gaoim داراب؛ gwvm ملابهروز؛ gOe گو، بگو: ارداویرافنامه؛ gu نریمان هوشنگ؛ go کامه بهره پنج هنر؛ gOEm نریمان هوشنگ؛ gOem آنتیا؛ gOeNd ارداویرافنامه؛ gOiNd ارداویرافنامه؛ guftAri نریمان هوشنگ؛ مینوی خرد؛ raoCan روشن: نریمان هوشنگ؛ داراب؛ raOCvn ملابهروز؛ rOSn روشن: آنتیا؛ rOSanI روشنی: شکندگمانیک؛ rOSantar روشن تر: مینوی خرد؛ بنابر موارد بالا باید گفت، نبود معیار قطعی برای تمایز کشیدگی و کوتاهی واکه‌ها، در آمیختگی با واکه‌های u و U و از همه مهمتر تاثیر املای اوستایی به ویژه استفاده از صورت ترکیبی ao، عواملی هستند که سبب پریشانی در استفاده از نشانه‌های مورد بررسی در میان پازند نویسان شده است.

u و U: با نشانه u در: aWVgum&n بی‌گمان: نریمان هوشنگ؛ buT بود: نریمان هوشنگ؛ شکندگمانی؛ budan مینوی خرد؛ buxtAr بوختار: داراب؛ buxtArI نریمان هوشنگ؛ buxtAriS آنتیا؛ guhArvT گوارد: مینوی خرد؛ gumVxt آمیخت: شکندگمانیک؛ ارداویرافنامه؛ gursnagI گرسنگی: نریمان هوشنگ؛ gustAsp Sah گشتاسپ شاه: ارداویرافنامه؛

U با نشانه U در: aBArUN گناه، بدی: مینوی خرد؛ aBazUnI افزونی: در کامه بهره پنج هنر؛ aCvm WOhU آنتیا و داراب؛ aeDUn ایدون: نریمان هوشنگ؛ bUT آنتیا؛ شکندگمانی؛ ارداویرافنامه؛ داراب؛ ملابهروز؛ bUd&n آنتیا؛ nabUT نبود: نریمان هوشنگ؛ gUna گونه: مینوی خرد؛

بنابر موارد بالا، نبود معیار قطعی برای تمایز کشیدگی و کوتاهی واکه‌ها، در آمیختگی با واکه‌های o و O، عواملی هستند که سبب پریشانی در استفاده از نشانه‌های مورد بررسی در میان پازند نویسان شده است.

ب. همخوان‌ها:

**b و B و W:** با نشانه **b** در برابر **b** و **p** پهلوی: **Ab**: آب: ملا بهروز؛ **AbarvT** آورد: مینوی خرد؛ **ba%ad** باید: کامه بهره ت ۳۰؛ **bUCyAsp** بوشاسپ: نریمان هوشنگ؛ **bUSyAsp** مینوی خرد؛ **baOy** بوی: ملا بهروز؛ **bUi** بوی: آنتیا؛ **bihdIn** بهدین: کامه بهره ت ۳۰؛ **bihidIn&n** بهدینان: نریمان هوشنگ؛ **bOxtan** بختن: نجات یافتن: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره ت ۳۰؛ **bojyAT** کامه بهره پنج هنر؛ **bujIT** داراب؛ **brAdarOdI** برادری: شکندگمانی؛ **bahOT** بود: شکندگمانی؛ مینوی خرد پر بسامد؛

**B** با نشانه **B** در قرائت **p** پهلوی: **AB**: آب: شکندگمانیک؛ **aB&** با، همراه با، شکندگمانیک؛ ارداویرافنامه؛ **aBA** مینوی خرد؛ **aBar** ابر، بر: شکندگمانیک و مینوی خرد و ارداویرافنامه؛ **aBarOZvNd** افزودند، سابند، صیقل دهند: مینوی خرد؛ **aBArUN** گناه، بدی: مینوی خرد؛ **aBarV** دیگر: ارداویرافنامه؛ **aBasOs** افسوس، مسخره: مینوی خرد؛ **aBastA** اوستا: ارداویرافنامه و مینوی خرد؛ **aBaxCIdAr** بخشاینده: ملا بهروز؛ **aBAxS** پشیمان: ملا بهروز؛ **aBAZ** باز، باز: در مینوی خرد و ارداویرافنامه؛ **aBazAET** افزایش: در مینوی خرد؛ **aBazUnI** افزونی: در کامه بهره پنج هنر؛ **aBdi** شگفتی: ملا بهروز؛ **aBdvm** سرانجام: ملا بهروز؛ **aBIja** اویژه، پاک: پر بسامد در ملا بهروز؛ **cihAr-BAE** چهارپا: مینوی خرد؛ **hib** نیو و نیک: کامه بهره ت ۳۰؛ **naBard** نبرد: مینوی خرد؛ **tAbi** تابان: ملا بهروز؛ **SaB&** شبان، شبها: ارداویرافنامه؛ **saW&** شبان، شبها: ارداویرافنامه؛ **WaSOBA** آشوبنده: شکندگمانیک؛ **WaSOWvT** آشوبد: مینوی خرد؛

**B** با نشانه **B** در قرائت **w** پهلوی: **ABInAre** آراید: ملا بهروز؛ **mIBa** میوه: مینوی خرد؛

**W** با نشانه **W** در قرائت **p** پهلوی با ارزش آوایی **b**: **aWistA**: پهلوی اوستا: کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پانزده هنر؛ نریمان هوشنگ؛ **aWazUnI** افزونی: نریمان هوشنگ؛ **aWzAyst** نریمان هوشنگ؛ **aWzInI** کامه بهره ت ۳۰؛ **AW** نریمان هوشنگ و داراب؛ **aWA** با، همراه با: نریمان هوشنگ؛ **aWA%ad** باید: کامه بهره ت ۳۰؛ **aWAlaT** و **aWAiT** و **AWAiT** نریمان هوشنگ؛ **aWAyaT** و **aWAYt** باید: نریمان هوشنگ؛ **aWAYNT** نریمان هوشنگ؛ **aWdi** کامه بهره پنج هنر؛ **aWadvm** سرانجام: آنتیا؛ **aWAj** باز: نریمان هوشنگ و آنتیا؛ **aWaxCIdAr** و **awaxSIdAr** بخشاینده: داراب؛ **aWOxCDAr** بخشاینده: آنتیا؛ **aWaxSa** پشیمان: آنتیا؛ **aWaxSvm** داراب؛ **dahyOWadLn** افکندن: کامه بهره ت ۳۰؛ **ayAW** یا: نریمان هوشنگ؛ **pAdAyAW saJiCni** پادیاب دهیوبدان: کامه بهره ت ۳۰؛ **dahyOWid** کامه بهره ت ۳۰؛ **pAdyAW saJiCni** کامه بهره ت ۳۰؛ **xarWastar** ساختن: کامه بهره پانزده هنر؛

خرفستر: مینوی خرد؛

بنابر شواهد بالا، به سبب وجود نشانه مشترک **b** در نظام نوشتاری پهلوی و اوستایی به ظاهر اختلاف چندانی در تبدیل و نقل انتقال واژگان در بستر خط‌های یادشده نیست. اما مشکل ابهام در قرائت **p** پهلوی است که با طیفی از قرائت‌ها مانند **b** و **B** و **f** و **w** و **W** همراه است. قرائت‌های متفاوت املاهای متفاوت را سبب شده است.

**c**: **c** با نشانه **c** در: **caNT** چند: نریمان هوشنگ؛ **cvNd** چند: کامه بهره **chArdahum**؛ **carWatar** چرب‌تر: مینوی خرد؛ **caSm** چشم: مینوی خرد؛ **ci-s&n** چه سان: نریمان هوشنگ؛ **cu&** چه، چونان: شکندگمانیک؛ **Waci** واج، کلام: نریمان هوشنگ؛ **WAZa** واژه: نریمان هوشنگ؛ از نشانه‌هایی است که کمتر بر روی آن اختلاف است، اختلافات احتمالی به قرائت **c** و **Z** برمی‌گردد.

**d** و **D**: **d** با نشانه **d** در: **aBarOZvNd** افزوند، سابد، صیقل دهند: مینوی خرد؛ **aBdvm** و **aBaxCIdAr** و **aBaxSEdAr** بخشاینده: مابهورز؛ **aBdi** شگفتی: مابهورز؛ **aWA%ad** باید: کامه بهره ت **۳۰**؛ **baA%ad** کامه بهره ت **۳۰**؛ **d&m&n** نریمان هوشنگ؛ **d&m** نریمان هوشنگ؛ **d&m&n** نریمان هوشنگ؛ **dAm&n** آنتیا؛ داراب؛ مابهورز؛

**D** با نشانه **D** در: **aeDU** ایدون: نریمان هوشنگ؛ **AsiIDa** آسینده: مابهورز؛ **dADan** دادن: نریمان هوشنگ؛ **dADAr** دادار: نریمان هوشنگ؛ آنتیا؛ داراب؛ **dADast&nI** دادستان: آنتیا؛ داراب؛ **dADistLn** مابهورز؛ بطور معمول **d** در میان دو واکه با نشانه **D** آمده است.

**z** با نشانه **z** در: **JA** جا: نریمان هوشنگ؛ **zAi** نریمان هوشنگ؛ **jadI** جدایی: شکندگمانیک؛ **jaT** جدا: شکندگمانیک؛ **juDA** نریمان هوشنگ؛ **juT-tar** نریمان هوشنگ؛ **JAmaV** جامی: مینوی خرد؛ **jaNg** جنگ: نریمان هوشنگ؛ **jaT-gOhar** جدا گوهر: شکندگمانیک؛ **jaT-gOhar&** شکندگمانیک؛ **jaT-gOharI** شکندگمانیک؛ **bin XurCId** جیوه بن خورشید: کامه بهره ت **۳۰**؛ **jlmdLn** جامدان: کامه بهره ت **۳۰**؛ **panJ** پنج: نریمان هوشنگ؛ **panj** کامه بهره ت **۳۰**؛ **panJam** پنجم: نریمان هوشنگ؛ **panJum** کامه بهره ت **۳۰**؛ کامه بهره پانزده هنر؛ کامه بهره پنج هنر؛

از موارد کم اختلاف است و برای نشان دادن واج **z** پهلوی استفاده می‌شود. در اینجا نیز موارد اختلاف احتمالی به قرائت‌های متفاوت و درآمیختگی **z** با **Z** برمی‌گردد، نک. زیر نشانه **Z**.

**g و g:G** با نشانه **g** در: **AgAh** آگاه: نریمان هوشنگ و داراب و آنتیا و ملابهروز؛ **Agahl** ارداویراف نامه. **agar** اگر: نریمان هوشنگ و مینوی خرد؛ **agnIn** با هم، با همدیگر: ارداویرافنامه؛ **aigiS** پس + ش: مینوی خرد؛ **aigiS&** پس + شان، ارداویرافنامه و مینوی خرد؛

**G** با نشانه **G** در: **aGnV** باهم بودن، اجتماع؛ نریمان هوشنگ؛ **aGiS** پس + ش: نریمان هوشنگ؛ **baG** بغ: ارداویرافنامه؛ **piG&n** پغان: نریمان هوشنگ؛ در خصوص این دو نشانه، جز در موارد اندک اختلاف قرائت و جابجایی میان این دو، اختلاف چندانی وجود ندارد.

**h:h** با نشانه **h** در: **AgAh** آگاه: نریمان هوشنگ و داراب و آنتیا و ملابهروز؛ **Agahl** ارداویراف نامه؛ **AgArihvNd** ناکار شوند: شکندگمانیک؛ **naCahVT** نشاید: نریمان هوشنگ؛ **pahlum** آنتیا؛ **h** به جای **x**: **AhVst** برخاست: ارداویرافنامه؛ جز در موارد اندک در قرائت میان **h** و **x**، اختلاف چندانی در نقل و انتقال این حرف نیست.

**f:f** با نشانه **f** در: **AfrIn** آفرین: نریمان هوشنگ؛ **AfrIT** آفرید: ملابهروز؛ داراب؛ آنتیا؛ **farmOST** فراموش: مینوی خرد؛ **farnyAk** پرنیان: مینوی خرد؛ **farWarSn** پرورش: مینوی خرد؛ **farzaNd** فرزند: مینوی خرد؛ **frazaNdL** مینوی خرد؛ **fradadafS** فرددفش: مینوی خرد؛ **fradim** نخست، آغازین، ازلی: شکندگمانیک؛ **frahaNg** فرهنگ: آنتیا؛ **gaosfvNT** گوسفند: داراب؛

نشان دادن **f** بهکمک نشانه **p/p** در: **AprIT** آفرید: نریمان هوشنگ؛ **AparIT** آفرید: نریمان هوشنگ؛ **ApirInId** آفرینید: کامه بهره ت ۳۰؛ **parhaNg** نریمان هوشنگ؛ **parhNg** داراب؛ **parhNg&n** داراب؛ **gaOspvNT** ملابهروز؛ **gOspvNdL** مینوی خرد؛ **gOspvNT** آنتیا؛

وفاداری به خط پهلوی که در آن واج **f** با نشانه **p** نشان داده می شود از یک سو، و از دیگر سو تمایل اکثر پازند نویسان به ضبط قرائت پهلوی به کمک خط اوستایی سبب شده تا واج **f** با دو نشانه **f** و **p** نشان داده شود و موجب پریشانی و درآمیختگی استفاده از نشانه های یاد شده شود.

**k:k** با نشانه **k** در: **akAr** ناکار: نریمان هوشنگ، **bakunam** بکنم: آنتیا؛ **k&m** خواست: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره پنج هنر؛ داراب؛ آنتیا؛ **kardan / karDan** کردن: نریمان هوشنگ؛ **kunNT** کامه بهره پنج هنر؛ کامه بهره پنج هنر؛ **kas** کس: هوشنگ؛ **kirafa** کرفه: آنتیا؛ **kOxSAA** ستیزنده: شکندگمانیک؛ درآمیختگی **k** با **g**: **AgArihvNd** ناکار شوند: شکندگمانیک؛ جز در موارد اندک درآمیختگی **k** با **g**، اختلاف چندانی در استفاده از

این نشانه وجود ندارد.

l:l با نشانه ρ در: bAlIn بالین: ارداویرافنامه؛ kyOmalIn bin Asa قیامدین بن آسا: کامه بهره ت ۳۰؛ lImbAi bin kOmadIn لیمبای بن کامدین: کامه بهره ت ۳۰؛ pahlum آنتیا؛

از نشانه‌های کم بسامد و بی‌اختلاف در متون پازند است. اما از آنجا که در خط اوستایی نشانه l وجود ندارد، از نشانه r استفاده شده که گاه برای تمایز این دو با تغییرات جزئی مثل افزودن یک خط مورب به میانه R یا تکرار آن، این دو نشانه را از هم متمایز ساخته‌اند. m: به علت منحصر به فرد بودن نشانه m در هر دو سنت یکسان است: در mOxtan & mOxtan: نیمان هوشنگ؛ aBdvm سرانجام: ملابهروز؛ d&Im دام، آفریده: نیمان هوشنگ؛ d&m نیمان هوشنگ؛ d&m&n نیمان هوشنگ؛ داراب: dAm&n آنتیا؛ داراب؛ ملابهروز؛ از جمله نشانه‌های بدون مشکل و مورد تفاهم همه پازند نویسان است.

n و N: M با نشانه N بطور معمول در هر دو سنت ایرانی و پارسی پیش از یک همخوان، اغلب T و d و g، استفاده می‌شود. از اینرو وضعیتی قاعده‌مند پیدا کرده است: aNT Ln- "آنند، آن هستند"؛ نیمان هوشنگ؛ aBarOZvNd افزونند، سابند، صیقل دهند: مینوی خرد؛ aBarUN گناه، بدی: مینوی خرد؛ aNd&mha اندامها: نیمان هوشنگ؛ m&qraspvNT مانثره اسپند: داراب؛ m&qraspvNtahe آنتیا؛ NdOjaSni اندوزش: نیمان هوشنگ؛ nyAzOmNdi نیازمندی: کامه بهره ت ۳۰؛ aNdA تا، zIBihvNd زیند، rasvNd رسند، WaSOBihvNd آشفته شوند، در: شکند گمانیک؛

n با نشانه n بطور معمول در هر دو سنت به غیر از قرار گرفتن در پیش از یک همخوان، در بیشتر جاهای واژه از جمله آغاز، پایان و پیش از یک واکه می‌آید: "آن" Ln- تو: "ملابهروز؛ داراب؛ Ln- ملابهروز؛ aBazUnI افزونی: در کامه بهره پنج هنر؛ ApirInId آفرینید: کامه بهره ت ۳۰؛ nAbar نابر: کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پانزده هنر؛ narm-nask نرم نسک: کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پانزده هنر؛ natub&n نتوان: نیمان هوشنگ؛ M با نشانه M در: mLqraspvMd ملابهروز؛ از نشانه‌های کم بسامد است.

r: r با نشانه r در: aBarV دیگر: ارداویرافنامه؛ AgAh آگاه: نیمان هوشنگ و داراب و آنتیا و ملابهروز؛ AgahI ارداویراف نامه. agar اگر: نیمان هوشنگ و مینوی خرد؛ AgArihvNd ناکار شوند: شکند گمانیک؛ dArVT نیمان هوشنگ؛ dArvT مینوی خرد؛

از جمله نشانه هایی است که کمتر محل اختلاف است.

**T و t:** با نشانه T اغلب به پیروی از سنت اوستایی در پایان واژه می آید: aNT Ln- "آند، آن هستند"، نریمان هوشنگ؛ aBarOZvT افزود، مینوی خرد؛ ABayaT باید؛ پر بسامد در مینوی خرد؛ aBazAET افزایش؛ در مینوی خرد؛ AparIT آفرید؛ نریمان هوشنگ؛ aiTin ایدون؛ نریمان هوشنگ؛ AsnIT داراب؛ آنتیا؛ AsnUT آسن خرد؛ کامه بهره پانزده هنر؛ aWAiaT و aWAiT و AWaiT نریمان هوشنگ؛ aWAyaT و aWAYt باید؛ نریمان هوشنگ؛ aWAYNT نریمان هوشنگ؛

**t** با نشانه t در اغلب جاهای واژه می آید: &mOxtan آموختن؛ نریمان هوشنگ؛ a!O اشو؛ آنتیا؛ dAlan داشتن؛ نریمان هوشنگ؛ dAst داشت؛ ارداویرافنامه؛ gEtI گیتی؛ داراب؛ gVqI نریمان هوشنگ؛ gVtI نریمان هوشنگ؛ tAbi تابان؛ ملابهروز؛ tan تن؛ نریمان هوشنگ؛ مینوی خرد؛ ارداویرافنامه؛ tiSnagi تشنگی؛ نریمان هوشنگ؛ tu&naNT توانند؛ آنتیا؛ tUb&n توان؛ نریمان هوشنگ؛ tuxma ملابهروز؛ داراب؛ آنتیا؛ با اختصاص نشانه T به پایان واژه، تا حدودی استفاده از این دو نشانه نظام مند شده است.

**Q: Q** با نشانه Q در: aqaurunLn و AqurunLn آثورنان؛ کامه بهره ۳۰؛ Aqurune آثورنی؛ کامه بهره پنج هنر؛ gaEqI گیتی؛ ملابهروز؛ gEqyA آنتیا؛ garOqam&n گرودمان؛ آنتیا؛ garoqm&n داراب؛ girasma-m&n گرودمان؛ آنتیا؛ graOqmLn ملابهروز؛ qis امر، چیز؛ مینوی خرد؛ qO تو؛ ارداویرافنامه؛ qUm تخم؛ مینوی خرد؛ در آمیختگی t با Q: tO تو؛ نریمان هوشنگ؛ Tu نریمان هوشنگ؛ tu ملابهروز؛ داراب؛ آنتیا؛ qO تو؛ ارداویرافنامه؛ tuxma ملابهروز؛ داراب؛ آنتیا؛ qUm تخم؛ مینوی خرد؛ Q از جمله نشانه های محل اختلاف است. پازند نویسان تحت تاثیر صورت اوستایی در قرائت متون پهلوی از این نشانه استفاده کرده اند. در نتیجه سبب در آمیختگی و پریشان استفاده از t و q شده است.

**p: p** با نشانه p در: paoyO.TakaES&n پوریوتکیشان؛ کامه بهره پنج هنر؛ کامه بهره ۳۰؛ parastIT پرستید؛ آنتیا؛ pasaNdi-ca پسند؛ مینوی خرد؛ paT-kAr پیکار؛ نریمان هوشنگ؛ patyArai پتیاره؛ کامه بهره؛ plmi شیر؛ مینوی خرد؛ pirAhIm پراهوم؛ کامه بهره ۳۰؛ pursaCni پرسش؛ نریمان هوشنگ؛ pursaSni شکندگمانیک؛ pVd&mbar پیامبر؛ ارداویرافنامه؛ pVrOzgar پیروزگر؛ آنتیا؛ pVrOZgar شکندگمانیک؛ pVS پیش؛ ارداویرافنامه؛

اگرچه نشانه p در خط پهلوی و اوستایی یکسان است و در حقیقت نقل این حرف را ساده ساخته است ولی از آنجا که این نشانه در پهلوی ارزش آوایی p و b و f را دارد، در



متون پازند چه از جهت حفظ قرائت‌های متفاوت پهلوی و چه از لحاظ درآمیختگی این نشانه با **b** و **f** و **B** نوعی پریشانی را سبب گردیده است.

**s: s** با نشانه **s** در: **aBasOs** افسوس، مسخره: مینوی خرد؛ **aBastA** اوستا: ارداویرافنامه و مینوی خرد؛ **aWistA** اوستا: کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پانزده هنر؛ نریمان هوشنگ؛ **aWzAyst** نریمان هوشنگ؛ **ast** است: کامه بهره ت ۳۰؛ ملابهرز؛ **astmaNd&n** استومند: نریمان هوشنگ؛ **AstU&** خستو و معترف: آنتیا؛ **bUCyAsp** بوشاسپ: نریمان هوشنگ؛ **bUSyAsp** مینوی خرد؛ **gustAsp Sah** گشتاسپ شاه: ارداویرافنامه؛ از مواردی است که کمتر مورد اختلاف پازند نویسان است.

**S و C و K**: از جمله مواردی است که به سبب ابهام در تطبیق نشانه‌های اوستایی و واج‌های پهلوی سبب پیدایش املاهای متعدد شده است. مهمترین این موارد ابهام و پریشانی در استفاده از انواع نشانه **S** عبارت است از:

**S** با نشانه **S: a!O** اشو: آنتیا؛ **aBaxS** پشیمان: ملابهرز؛ **aiSO&** اشوان: ارداویرافنامه؛ **aFaSiHA** ناخوشی؛ مینوی خرد؛ **amvSAspvNd&n** نریمان هوشنگ و کامه بهره ت ۳۰ و آنتیا؛ **amvSAspvNd&** ارداویرافنامه؛

**S** با نشانه **S** به جای **s: ASAnI** آسانی: ارداویرافنامه؛ **bad&ni!an** بدانستن: نریمان هوشنگ؛ **bVSIT** آزارد: نریمان هوشنگ؛ **bVSt** مینوی خرد؛ **bVSvT** مینوی خرد؛ **paEsIT** نقش و نگار، رنگارنگ: ملابهرز؛ **pIsIT** داراب؛ **pVSIT** آنتیا؛ **rasn** رشن: ارداویرافنامه؛ **raSni** نریمان هوشنگ؛

جایگزینی **S** با **C: aBaxSEdAr** بخشاینده: ملابهرز؛ جایگزین با **C** در همان واژه و در همان متن: **aBaxCIdAr** بخشاینده: ملابهرز؛ **aWaxCIdAr** و **awaxSIdAr** بخشاینده: داراب؛ **aWOxCDAr** بخشاینده: آنتیا؛ **aWaxSa** پشیمان: آنتیا؛ **aWaxSvm** داراب؛ **bUCyAsp** بوشاسپ: نریمان هوشنگ؛ **bUSyAsp** مینوی خرد؛ **hutuxSLn** کامه بهره ت ۳۰؛ **kvCWar** کشور: کامه بهره ت ۳۰؛ **kvSWari** کامه بهره ت ۳۰؛ **manaCni** منش: نریمان هوشنگ؛ **manaCni** داراب؛ **manaCni** آنتیا؛ **manaCniS** آنتیا؛ **manaSni** نریمان هوشنگ؛ **manvSn** مینوی خرد؛ **manvSni** ارداویرافنامه؛ **mvnvCne** ملابهرز؛ **mvnvSn** کامه بهره ت ۳۰؛ **mvnvSn** کامه بهره پانزده هنر؛

**C** با نشانه **C: aCO** اشو: نریمان هوشنگ؛ **aCOLn** اشوان: کامه بهره ت ۳۰؛ **amvCAspvNd** امشاسپندان: کامه بهره ت ۳۰ و ملابهرز و داراب؛ **amvCAspvNT** آنتیا؛ **amvCAspvNd&n** نریمان هوشنگ و کامه بهره ت ۳۰؛ **hutaxCae** هوتخشی،

هنر و صنعت: کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پنج هنر؛

**W** و **W:w** با نشانه **W** در: **aCvm WohI** دعای اشم وهو... کامه بهره ت ۳۰؛ **aCvm WOhU** آنتیا و داراب؛ **aWdi** کامه بهره پنج هنر؛ **dVW&n** دیوان: آنتیا؛ **kvCWar** کشور: کامه بهره ت ۳۰؛ **kvSWari** کامه بهره ت ۳۰؛ **w** با نشانه **w** در: **aCwLn** آنتیا؛ **aew&n** ایشان: نریمان هوشنگ؛ **astwLn** ملابهروز؛ **ustw&n** خستو: داراب؛ **awadi** شگفتی: داراب؛ **aWaxCIdAr** و **awaxSIdAr** بخشاینده: داراب؛ **AwI** آب: کامه بهره ت ۳۰؛ **daEw&** دیوان: داراب؛ **daEwLn** ملابهروز؛

در آمیختگی **w** با **O**: **aCaOLn** اشوان: ملابهروز و داراب؛ **aCOLn** اشوان: کامه بهره ت ۳۰؛ **aCwLn** آنتیا؛ **aiSO&** ارداویراف نامه؛ **OstO&n** خستو: نریمان هوشنگ؛ **ru&n** روان: آنتیا؛ **rub&n** نریمان هوشنگ؛ **ruL** مینوی خرد؛ **rw&n** نریمان هوشنگ؛ کامه بهره پنج هنر؛ داراب؛ **rob&n** روان: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره ت ۳۰؛ **rw&I** ارداویرافنامه؛ **rwLnI** ملابهروز؛ **taw&nA** توانا: آنتیا؛ **tuAnI** آنتیا؛ **tu&gar** توانگر: آنتیا؛ **tub&n-gar-tar** نریمان هوشنگ؛ **tu&naNT** توانند: آنتیا؛ **tUb&n** توان: نریمان هوشنگ؛ **tub&n** نریمان هوشنگ؛ ملابهروز؛ **tuL** مینوی خرد؛ **tw&n** داراب؛ در آمیختگی **w** با **U**: **AstU&** خستو و معترف: آنتیا؛

وجود دو نشانه **W** و **w** در اوستایی به نسبت یک واج در پهلوی از یکسو، و از سوی دیگر، در آمیختگی تلفظ آن واج با **o** و **u** سبب پریشانی و پیدایش املاهای متفاوت در میان پازند نویسان شده است.

**x** و **F** و **X**: از جمله مواردی است که به سبب ابهام در تطبیق نشانه‌های اوستایی و واج‌های پهلوی سبب پیدایش املاهای متعدد شده است. **x** با نشانه **x**: **mOxtan** آموختن: نریمان هوشنگ؛ **aBaxSEdAr** و **aBaxCIdAr** بخشاینده: ملابهروز؛ **aBaxS** پشیمان: ملابهروز؛ **aWaxCIdAr** و **awaxSIdAr** بخشاینده: داراب؛ **aWOxCDAr** بخشاینده: آنتیا؛ **aWaxSvm** داراب؛ **siAWaxS** سیاوخش: کامه بهره ت ۳۰؛ **bOxtan** بختن، نجات یافتن: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره ت ۳۰؛ **gumVxt** آمیخت: شکندگمانیک؛ ارداویرافنامه؛ **hurWAXm** شادی: مینوی خرد؛ **hutaxCae** هوتخشی، هنر و صنعت: کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پنج هنر؛

**F** با نشانه **F**: **aF&n** هستی: داراب؛ **aF&n&n** نریمان هوشنگ؛ **aFaSiHA** ناخوشی؛ مینوی خرد؛ **Asna-FirdI** آسن خردی: آنتیا؛ **AsnIda Fard** آسن خرد: کامه بهره ت ۳۰؛ **ba-FVStan** به خویشتن: نریمان هوشنگ؛ **naFAhiT** نخواهد: نریمان هوشنگ؛ **naFust**

نخست: نریمان هوشنگ؛ plm-FarvSn مردمی که شیر خوراکشان است: مینوی خرد؛ rastAFVz رستاخیز: نریمان هوشنگ؛

X با نشانه X: jIWai bin XurCid جیوه بن خورشید: کامه بهره ت ۳۰؛ naXust نخست: نریمان هوشنگ؛ Xari خواری، آسانی: ملابهروز؛ XaruhmvNd فرهمند: کامه بهره ت ۳۰؛ Xonat mi می خوانند: کامه بهره ت ۳۰؛ Xurda خرده: کامه بهره ت ۳۰؛ xu&ndan خواندن: آنتیا؛

دو نشانه x و F نشان دهنده واج x است ولی عملاً هیچ معیاری برای استفاده این دو نشانه در میان پازند نویسان نیست. نشانه X به طور معمول برای بیان xw پهلوی بکار می رود. باز این در حالی است که xw پهلوی با F نیز نشان داده شده است: FVStan خویشان: نریمان هوشنگ؛ FAhiT خواهد: نریمان هوشنگ؛ naFust نخست: نریمان هوشنگ؛ FarvSn خوراک: مینوی خرد؛

y و % با دو نشانه y و Y: ABayaT باید: پر بسامد در مینوی خرد؛ aWAYaT و aWAYaT نریمان هوشنگ؛ aWAYaT نریمان هوشنگ؛ ham-ayAr همیار: شکندگمانیک؛ ham-ayArL مینوی خرد؛ mazdayasn& مزدیسنان: ارداویرافنامه؛ mAzdayasn&n نریمان هوشنگ؛ mazdayasnL ارداویرافنامه؛ pAdAyAW کامه بهره ت ۳۰؛ mazdaysn& ارداویرافنامه؛ pAdyAW sajiCni پادیاب ساختن: کامه بهره پانزده هنر؛ sajiCni کامه بهره ت ۳۰؛ % با نشانه %: a%b عیب: کامه بهره، ت ۳۰ و کامه بهره پنج هنر؛ aWA%ad باید: کامه بهره ت ۳۰؛ ba%ad کامه بهره ت ۳۰؛ YazaSni نریمان هوشنگ؛ YaziSni آنتیا؛ %vzvCn پر بسامد ترین در روایت کامه بهره (ت ۳۰)؛ yvzvCn کامه بهره ت ۳۰؛ %eziCni ملابهروز؛ %vzvCn-gAh در روایت کامه بهره (ت ۳۰)؛ YazaT ایزد: داراب؛ %zaT آنتیا؛ Yazd&n کامه بهره پانزده هنر؛ کامه بهره پنج هنر؛ داراب؛ آنتیا؛ %vzdLn پر بسامد ترین در روایت کامه بهره (ت ۳۰)؛ Yvzd&n کامه بهره پنج هنر؛ %azdL مینوی خرد؛ %azdLn کامه بهره (ت ۳۰)؛ %ezdLn ملابهروز؛ %izdLn کامه بهره (ت ۳۰)؛

در آمیختگی y با i و I: aWAlaT و aWaiT و AWaiT نریمان هوشنگ؛ از جمله موارد اختلاف است. در آمیختگی y با i و I، همچنین، نبود معیار قطعی در کاربرد نشانه‌های Y و y و % سبب اختلاف یاد شده شده است.

Z و z و j: z با نشانه z در: aBazAET افزایش: در مینوی خرد؛ aBazUnI افزونی: در کامه بهره پنج هنر؛ arzmaNdtar ارجمندتر: مینوی خرد؛ az از: نریمان هوشنگ؛ az

کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پنج هنر؛ داراب، آنتیا؛ az-&n از آنک نریمان هوشنگ؛ Azurda  
 آزورده: نریمان هوشنگ؛ bbaza بزه: داراب؛ آنتیا؛ buza ملابهروز؛ barazIT آنتیا؛  
 hamAZOr همازور: داراب؛ hamA-zOr آنتیا؛ hmA.zOr ملابهروز؛ mazdayasn&  
 مزدیسنان: ارداویرافنامه؛ mAzdayasn&n نریمان هوشنگ؛ mazdayasnL  
 ارداویرافنامه؛ mAzdayasnLn کامه بهره ت ۳۰؛ mazdayasn&n ارداویرافنامه؛ namAz  
 نماز: داراب؛ آنتیا؛ padamOz پوشاک: نریمان هوشنگ؛ paTmOz نریمان هوشنگ؛  
 padmOz نریمان هوشنگ؛

Z با نشانه Z به جای z: aBarOZvT افروزد، مینوی خرد؛ aBAZ اباز، باز: در مینوی  
 خرد و ارداویرافنامه؛ AmOZaSn آموزش: مینوی خرد؛ aNdAZaT اندازه گیرد:  
 ارداویرافنامه؛ aNdOZvT اندوزد: مینوی خرد؛ AxVZvT برخیزد: مینوی خرد؛ aZaS  
 ازش: مینوی خرد؛ ham-sAZal همسازی، هم ساختار: شکندگمانیک؛ ham-sAZyI  
 شکندگمانیک؛ namAZ مینوی خرد؛ ارداویرافنامه؛ nmAZ ارداویرافنامه؛ padmOZaSn  
 مینوی خرد؛ padmOZvNd پوشند: مینوی خرد؛ spOZvT سپوزد: مینوی خرد؛ tarAZ  
 ترازو: ارداویرافنامه؛ Waci واج، کلام: نریمان هوشنگ؛ WAZa واژه: نریمان هوشنگ؛  
 z با نشانه z به جای z: aBIja اویژه، پاک: پریسامد در ملابهروز؛ aj از: نریمان  
 هوشنگ و کامه بهره پنج هنر و ملابهروز و داراب؛ ajaS نریمان هوشنگ و آنتیا؛ aj-In  
 نریمان هوشنگ؛ arjAmNT ارجمند: نریمان هوشنگ؛ aWAj باز: نریمان هوشنگ و  
 آنتیا؛ boJyAT کامه بهره پنج هنر؛ bujIT داراب؛ baOjIT همه از مصدر بُختن:  
 ملابهروز؛ fraJ فراز: نریمان هوشنگ؛ parAj فراز: نریمان هوشنگ؛ pirAj کامه بهره  
 ت ۳۰؛ ji man زی من: نریمان هوشنگ؛ ji tu زی تو: نریمان هوشنگ؛ jvNT زند: نریمان  
 هوشنگ؛ NdOjaSni اندوزش: نریمان هوشنگ؛ pAdAyAW sAjiCni پادیاب ساختن:  
 کامه بهره پانزده هنر؛ pAdyAW sAjiCni کامه بهره ت ۳۰؛

Z به جای z: zOrdAEL غلات: مینوی خرد؛ قرائت‌های متفاوت واج Z به سه صورت  
 Z و Z و Z سبب درآمیختگی و پریشانی املائی واژگان پهلوی داری واج Z شده است.

#### ۴ علل پریشانی در نظام نوشتاری پازند

بررسی خط اوستایی بکار رفته در متون پازند نشان می‌دهد، در نظام نوشتاری مورد بحث  
 پریشانی گسترده‌ای حاکم است. متن‌ها از وحدت رویه قابل قبولی پیروی نمی‌کنند. استفاده  
 از نیمی از نشانه‌ها محل مناقشه است و تحت تاثیر عوامل مختلف، املائی متفاوت حتی  
 درون یک متن را سبب شده است. این عوامل در دو حوزه واکه‌ها و همخوان‌ها عبارتند از:

- الف. در نقل واکه‌های پهلوی به خط اوستایی:
۱. ابهام در خط پهلوی به ویژه برای نشان دادن واکه‌های کوتاه.
  ۲. قرائت‌های متفاوت از واژگان پهلوی.
  ۳. عدم معیار قطعی برای تمایز میزان کشیدگی و کوتاهی واکه‌ها در قرائت خط پهلوی.
  ۴. تنوع در نشانه‌های اوستایی به نسبت واکه‌های محدود پهلوی.
  ۵. تشابه آوایی گیچ‌کننده نشانه‌ها اوستایی مانند  $v$  با  $e$  و  $A$  با  $L$ .
  ۶. تاثیر املائی اوستایی و تمایل پازند نویسان به صورت اوستایی واژگان تخصصی به ویژه در ترکیب واکه‌ها.
- ب. در نقل همخوان‌ها: اگرچه پاره‌ای از همخوان‌ها به سبب منحصر به فرد بودن نشانه‌ها و تلفظ مشخص و بدون ابهام، کمتر محل مناقشه هستند. اما پاره‌ای دیگر، بنابر دلایل زیر سبب پریشانی در املائی متون پازند شده‌اند:
۱. تنوع در نشانه‌های اوستایی در مقابل یک واج پهلوی:  $S$  و  $y$  و  $n$  و  $W$  و  $x$ .
  ۲. قرائت‌های متفاوت پازند نویسان از واژگان پهلوی.
  ۳. تاثیر املائی اوستایی و املائی پهلوی بر ذهنیت پازند نویسان.
  ۴. درآمیختگی نشانه‌های مشابه.

## ۵ بررسی دستوری متون پازند برگزیده

بررسی هرچند کلی برخی مقولات دستوری شاخص متون پازند که در این بررسی برگزیده شدند، در پاسخگویی به پرسش‌های بنیادین راجع به ماهیت زبانی پازند موثر است. این که پازند تنها نوعی نقل متن به خط جدید است یا نه در این تحول و نقل و انتقال نوعی صورت زبانی هم شکل گرفته است یا نه؟ همچنین، وحدت رویه پازند نویسان در نشان دادن شناسه‌های صرفی چگونه و تا چه میزان است؟ پرسش‌هایی هستند که پاسخ به آن‌ها می‌تواند ابعاد دیگری از معمای پازند را روشن سازد.

### الف. واژگان و ساخت واژه:

#### ۱- وندهای اسمی:

جدول نمونه تحول پسوندها و پیشوندهای پر بسامد در متون پازند

پهلوی	پازند	پهلوی	پازند
-------	-------	-------	-------

-dAr, -tAr	-dAr	-a, -aa	-ag
-I	-E	-A, -L, -AA	-Ag
-L, -Ln, -An	-An	-Ar	-Ar
-hA	-hA	-ihA, -IhA	-IhA
aWI-, aWV-	abE-	-I, -V	-Ig
ba-	be-	-I, -i, -e, -E, -V, -v, -ae, -aV	-Ih
ham-, hvm-	ham-	-Cn, -aCn, -aSn, -Asn, -vSn, -vCn, -iSn	-iSn
hu-, hU-	hu-	-ystan	-istan
na-, ni-	na-	-tar	-tar
		-maNd, -mNT, -OmvNd, -OmaNd	-mand, -Omand

جدول بالا نشان می‌دهد که اختلاف عمده وندهای پر بسامد پازند، بر سر کوتاه و بلندی واکه‌ها، همچنین، در آمیختگی i و e و v و a است. مهمترین تحول تمایل به حذف همخوان پایانی در برخی پسوندها است که تحت تاثیر دوره نو زبان فارسی روی داده است. در اینجا نیز اختلاف در قرائت و تنوع و تشابه نشانه‌های اوستایی، پریشانی در املاي وندهای پازند را سبب شده است.

## ۲- شناسه‌های فعلی:

جدول نمونه تحول شناسه‌های فعلی پر بسامد در متون پازند

پازند	پهلوی	شناسه
-vm, -Om	-om, -Em	ماضی - اول شخص مفرد
-IT, -yst, -d/t/T	-Id, -ist, -d/t	ماضی - سوم شخص مفرد
-aNd, -vNd, -vNT	-End	ماضی - سوم شخص جمع
-am, -Vm, -vm, -im, -Im, -em, -Em, -om	-am, -om, -Em	مضارع - اول شخص مفرد
-vT, -VT, -aT, -iT, -IT, -ET, -ad	-Ed	مضارع - سوم شخص مفرد
-aNd, -vNd, -aNT, -anT, -vNT, -VNT, -eNd, -iNd, -NT	-End, -and	مضارع - سوم شخص جمع
-AT, -At, -LT	-Ad	التزامی - سوم شخص مفرد

جدول بالا نشان می‌دهد تحول شناسه‌های فعلی پر بسامد در متون پازند، تابع تحولات زبانی نیست بلکه اختلاف پازندنویسان در انتخاب نشانه‌های مشابه اوستایی برای بیان واکه‌های a و i و e و o همخوان‌های n و t و d است.

### ۳- ضمائر:

شخصی متصل: aigiS پس + ش: مینوی خرد؛ aGiS پس + ش: نریمان هوشنگ؛ ajaS نریمان هوشنگ و آنتیا؛ aigiS& پس + شان، ارداویرافنامه و مینوی خرد؛ شخصی منفصل:

man من: نریمان هوشنگ؛ mvn من: ارداویرافنامه؛

tO تو: نریمان هوشنگ؛ Tu نریمان هوشنگ؛ tu ملابهرروز؛ داراب؛ آنتیا؛ qO تو:

ارداویرافنامه؛

Oi او، آن: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره ت ۳۰؛ داراب؛ آنتیا؛ مینوی خرد؛ OiE کامه بهره

ت ۳۰؛

ima: کامه بهره ت ۳۰؛ vma: شکندگمانیک؛ ارداویرافنامه؛

SumA شما: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره ت ۳۰؛

iC&n ایشان: نریمان هوشنگ؛ iS&n نریمان هوشنگ؛ VS& ایشان: شکندگمانیک؛

ارداویرافنامه؛ OS&n ایشان: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره ت ۳۰؛ OSLN کامه بهره ت ۳۰؛

ضمیر اشاره:

In این: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره ت ۳۰؛ آنتیا؛ شکندگمانیک؛ iN مینوی خرد؛

& آن: در شکندگمانیک و ارداویرافنامه؛ کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پنج هنر؛ مینوی

خرد؛ &n پربسامد در نریمان هوشنگ؛ کامه بهره ت ۳۰؛ &n-aNT آند، آن هستند؛ در

نریمان هوشنگ؛ Lni ملابهرروز؛ Lnit آن تو: ملابهرروز؛ داراب؛

در باب ضمیرها، اختلاف پازندنویسان در نحوه قرائت و تشابه و تعدد نشانه واکه‌های

و A و i و o و u و v و نیز همخوان‌های t و S و n است.

### ۴- اعداد:

اعداد اصلی: Yak یک: نریمان هوشنگ؛ داراب؛ آنتیا؛ شکندگمانیک؛ کامه بهره پانزده هنر؛

آنتیا؛ %ak در روایت کامه بهره (ت ۳۰) و ملابهرروز؛ du دو: کامه بهره ت ۳۰؛ si سه:

نریمان هوشنگ؛ sv سه: ارداویرافنامه؛ ciahar نریمان هوشنگ؛ paNj پنج: نریمان

هوشنگ؛ panj کامه بهره ت ۳۰؛ paNj کامه بهره ت ۳۰؛ CaC شش: داراب؛ SaS شش:

آنتیا؛ SaSa آنتیا؛ SvS ملابهرروز؛ CaS نریمان هوشنگ؛ داراب؛ hapt هفت: کامه بهره

ت ۳۰؛ hapta آنتیا؛ dah ده: کامه بهره ت ۳۰؛ p&zdah پانزده: نریمان هوشنگ؛ کامه بهره

ت ۳۰؛ bist %ak بیست و یک: کامه بهره ت ۳۰؛ bIst-u %ak کامه بهره ت ۳۰؛ slu si

سی و سه: کامه بهره ت ۳۰؛ haptA %ak هفتاد و یک: کامه بهره ت ۳۰؛ naWiT نود/ ۹۰:

نریمان هوشنگ؛ hazAr هزار؛ نریمان هوشنگ؛ hvzArLn کامه بهره ت ۳۰؛ اعداد ترتیبی: fradim نخست، آغازین، ازلی؛ شکندگمانیک؛ Yakum کامه بهره پنج هنر؛ %akum در روایت کامه بهره (ت ۳۰)؛ dum؛ دوم؛ کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پانزده هنر؛ کامه بهره پنج هنر؛ sium سوم؛ کامه بهره پانزده هنر؛ کامه بهره پنج هنر؛ کامه بهره ت ۳۰؛ chArum؛ چهارم؛ کامه بهره ت ۳۰؛ cihArm ارداویرافنامه؛ cihArum کامه بهره پنج هنر؛ کامه بهره پانزده هنر؛ cihAram؛ چهارم؛ نریمان هوشنگ؛ paNjam؛ پنجم؛ نریمان هوشنگ؛ paNjum؛ کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پانزده هنر؛ کامه بهره پنج هنر؛ CaCum؛ ششم؛ کامه بهره پانزده هنر؛ SaCum؛ ششم؛ کامه بهره ت ۳۰؛ haptum؛ هفتم؛ کامه بهره ت ۳۰؛ haptum؛ کامه بهره پانزده هنر؛ nuhum؛ نهم؛ کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پانزده هنر؛ dahum؛ دهم؛ کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پانزده هنر؛ Yazdahum؛ یازدهم؛ کامه بهره ت ۳۰؛ %Azdahum؛ کامه بهره (ت ۳۰)؛ duAzdahum؛ دوازدهم؛ کامه بهره پانزده هنر؛ dwAzdahum؛ دوازدهم؛ کامه بهره ت ۳۰؛ slzdahum؛ سیزدهم؛ کامه بهره پانزده هنر؛ کامه بهره ت ۳۰؛ chArdahum؛ چهاردهم؛ کامه بهره ت ۳۰؛ cihArdahum؛ چهاردهم؛ کامه بهره پانزده هنر؛ p&zdahum؛ پانزدهم؛ کامه بهره پانزده هنر؛ کامه بهره ت ۳۰؛

املائی اعداد بکار رفته در متون پازند، تابع قرائت و تشابه و تعدد نشانه‌های اوستایی است با این همه پسوند -um در اعداد ترتیبی نوعی وحدت رویه را نشان می‌دهد.

## ۵- واژگان

صورت‌های املائی مختلف یک واژه در یک متن و نیز در متون دیگر گواه این واقعیت است که آنچه ما به عنوان ادبیات پازند می‌شناسیم، به هیچ روی از یک سنت نوشتاری مورد تفاهم پازندنویسان پیروی نمی‌کند.

افزون بر این، املائی واژگان تا حدودی کلیات سبکی متون پازند ایرانی و پارسی را نیز نشان می‌دهد. هرچند رسیدن به تمایزات سبکی پازندهای ایرانی و هندی، همچنین، تحولات تاریخی هر یک از این دو حوزه نیازمند بررسی بیشتر و دقیق‌تر متون و به ویژه رویت اغلب دستنوشته‌های موجود است، ولی همین بررسی کلی نیز تا حدودی به ما اجازه می‌دهد که دست کم به این دو حوزه کلی قائل باشیم و آن را به عنوان پیش فرضی برای پژوهش‌های بعدی بپذیریم.

با این همه، گفتنی است موارد یاد شده در زیر به هیچ روی قطعی نیست. زیرا درهم‌ریختگی، پریشانی و تغییرات بعدی کاتبان متغیرهایی هستند که بنابر شواهد موجود این ادعاها را رد می‌کنند. واقعیت این است که دسترسی به همه نسخ و نقد و بررسی آن‌ها



به لحاظ صحت و سقم و اصالت پیش نیاز هرگونه مطالعه و بررسی سبک شناسانه است. ما به درستی نمی‌دانیم روایاتی چون روایت کامه بهره‌براستی در ایران به خط اوستایی یا پازند درآمده است و یا نه پارسیان هند متن فارسی را به خط اوستایی برگردانده‌اند؟ پاسخ به چنین پرسش‌هایی زمانبر و مستلزم بررسی تمام دستنویس‌های موجود است. اما کاری ضروری و لازم است.

بر پایه متن‌های بررسی شده که اغلب دربردارنده مجموعه‌ای از واژگان و اصطلاحات تخصصی کیش زردشتی است، واژگانی که برای نویسندگان متون پازند شناخته شده، مهم و مقدسند و لاجرم باید به املائی درست آن‌ها حساس باشند؛ می‌توان برخی ویژگی‌های سبکی متن‌های پازند ایرانی و هندی و نیز ساختار واژگان را چنین یادکرد:

- برای نشان دادن حرف پهلوی *p* با قرائت *p* و *b* در میانه واژه، در متون ایرانی بطور معمول از نشانه‌های اوستایی *W W* و *w w* استفاده می‌شود در حالی که پازند نویسان متون هندی اغلب نشانه اوستایی *B B* را بکار می‌گیرند: *AW* آب: نریمان هوشنگ و داراب؛ *AB* آب: شکند گمانیک؛ *aWA* با، همراه با: نریمان هوشنگ؛ *aB&* با، همراه با، شکند گمانیک؛ ارداویرافنامه؛ *aBA* مینوی خرد؛ *aWzInI* کامه بهره ت ۳۰؛ *aWaxCIdAr* و *awaxSIdAr* بخشاینده: داراب؛ *aWoxCDAr* بخشاینده: آنتیا؛ *aBar* ابر، بر: شکند گمانیک و مینوی خرد و ارداویرافنامه؛ *aBarOZvNd* افزوزند، سابند، صیقل دهند: مینوی خرد؛ *aBArUN* گناه، بدی: مینوی خرد؛ *aBarV* دیگر: ارداویرافنامه و مینوی خرد؛ البته در متون مورد بررسی، متن ملابهروز خرد؛ *aBasta* اوستا: ارداویرافنامه و مینوی خرد؛ متن ملابهروز متمایل به شیوه پارسیان هند است. همچنین در واژه‌نامه پهلوی پازند نیز از نشانه *B B* استفاده شده است.

- برای نشان دادن حرف پهلوی *p* با قرائت *f* در آغاز واژه، گاه در متون ایرانی از نشانه اوستایی *p p* استفاده شده است: *parhaNg* فرهنگ: نریمان هوشنگ؛ *parAj* فراز: نریمان هوشنگ؛ *parmlN* فرمان: ملابهروز؛ *parotTar* فروتر: نریمان هوشنگ؛ *paraxLn* فرخان: نریمان هوشنگ؛ در حالی که پازند نویسان متون هندی عکس این را عمل کرده‌اند و حرف پهلوی *p* با قرائت *p* در آغاز واژه را با نشانه اوستایی *f f* نشان داده‌اند: پرنیان: *farnyAk* مینوی خرد؛ *farWarSn* پرورش: مینوی خرد؛

- برای نشان دادن حروف پهلوی حبا قرائت *Z* و چ پهلوی با ارزش آوایی *Z*، در هردو سنت بطور معمول از نشانه‌های اوستایی *Z Z* استفاده می‌شود: *aBazUnI* افزونی: در کامه بهره پنج هنر؛ *arzmaNdtar* ارجمندتر: مینوی خرد؛ *az* از: نریمان هوشنگ؛ *az* کامه بهره ت ۳۰؛ کامه بهره پنج هنر؛ داراب، آنتیا؛ *az-&n* از آنک نریمان هوشنگ؛ *Azurda* آورده:

نریمان هوشنگ؛ baza بزه: داراب؛ آنتیا؛ buza ملبهروز؛ barazIT آنتیا؛ hamAzOr همزور: داراب؛ hamA-zOr آنتیا؛ hmA.zOr ملبهروز؛ namAz نماز: داراب؛ آنتیا؛ padamOz پوشاک: نریمان هوشنگ؛ paTmOz نریمان هوشنگ؛ padmOz نریمان هوشنگ؛

با این وجود، چنان که بر می آید، اغلب کاتبان متون ایرانی در میانه واژه برای نشانه چ پهلوی با ارزش آوایی c و z، از نشانه j z استفاده کرده اند، در حالی که پازند نویسان متون هندی اغلب نشانه اوستایی Z Z را بکار گرفته اند: az و aj از: کامه بهره، نریمان هوشنگ، داراب، آنتیا؛ az مینوی خرد، شکندگمانیک؛ aBlja اویژه، پاک: پرسامد در ملبهروز؛ arjAmNT ارجمند: نریمان هوشنگ؛ aWAj باز: نریمان هوشنگ و آنتیا؛ bojyAT کامه بهره پنج هنر؛ bujIT داراب؛ baOjIT بُختن: ملبهروز؛ fraj فراز: نریمان هوشنگ؛ aBarOZvT افروزد، مینوی خرد؛ aBAZ ابا، باز: در مینوی خرد و ارداویرافنامه؛ AmOZaSn آموزش: مینوی خرد؛ aNdAZaT اندازه گیرد: ارداویرافنامه؛ aNdOZvT اندوزد: مینوی خرد؛ AxVZvT برخیزد: مینوی خرد؛ ham-sAZaI همسازی، هم ساختار: شکندگمانیک؛ ham-sAZyI شکندگمانیک؛ namAZ مینوی خرد؛ ارداویرافنامه؛ nmAZ ارداویرافنامه؛ padmOZaSn مینوی خرد؛ padmOZvNd پوشند: مینوی خرد؛ spoZvT سپوزد: مینوی خرد؛ tarAZ ترازو: ارداویرافنامه؛ Waci واج، کلام: نریمان هوشنگ؛ WAZa واژه: نریمان هوشنگ؛

گفتنی است که این موارد قطعی نیست، چنان که در مورد واژگان زیر می بینیم: aBazAET افزایش: در مینوی خرد؛ mazdayasn& مزدیسنان: ارداویرافنامه؛ mAzdayasn&n نریمان هوشنگ؛ mazdayasnL ارداویرافنامه؛ mAzdayasnLn کامه بهره ت ۳۰؛ mazdaysn& ارداویرافنامه؛ اما گرایش کلی به این است که پازند نویسان پارسی به قرائت Z تمایل بیشتری دارند.

- برای نشان دادن حرف پهلوی ث و ت با قرائت d بین دو واکه در میانه واژه، در متون ایرانی بطور معمول از نشانه اوستایی D D استفاده می شود در حالی که پازند نویسان متون هندی اغلب نشانه اوستایی dd را بکار می گیرند: dADAr دادار: نریمان هوشنگ؛ آنتیا؛ داراب؛ ملبهروز؛ dAdAr آنتیا؛ zadAr شکندگمانیک؛ fradadafS فرددفش: مینوی خرد؛ fradim نخست، آغازین، ازلی: شکندگمانیک؛ mADar مادر: نریمان هوشنگ؛ mAdar مینوی خرد؛

- برای نشان دادن حرف پهلوی ت با قرائت t در آغاز واژه، در متون ایرانی بطور معمول از نشانه اوستایی t t استفاده می شود در حالی که پازند نویسان متون هندی نشانه

اوستایی  $q$  را هم بکار برده اند:  $tO$  تو: نریمان هوشنگ؛  $Tu$  نریمان هوشنگ؛  $tu$  ملابهروز؛ داراب؛ آنتیا؛  $qO$  تو: ارداویرافنامه؛  $qis$  چیز شکندگمانیک؛  $gVqI$  شکندگمانیک؛  $gVtI$  نریمان هوشنگ؛

• یکی دیگر از تفاوت‌های متون ایرانی و هندی استفاده از نشانه‌های متفاوت آغازین است. در متون ایرانی از این نشانه‌ها  $\% \%$  و در متون هندی از این نشانه  $YY$  استفاده شده است:  $\%vzvCn$  پر بسامدترین در روایت کامله بهره (ت ۳۰)؛  $\%eziCni$  ملابهروز؛  $\%zaT$  آنتیا؛  $yazaT$  شکندگمانیک؛ بطور معمول در هردو سنت به تبع نظام نوشتاری اوستا در میانه واژه از نشانه  $y$  استفاده شده است، اگرچه در برخی متون به ویژه متون متاخر که پریشانی به نسبت بیشتر است، به جای آن از نشانه‌های آغازین در میانه واژه هم استفاده شده است.

• نشانه‌های  $\&\&$  و  $L$   $L$  اگرچه به لحاظ ارزش آوایی تفاوت چندانی ندارند ولی اغلب در دستنویس‌های ایرانی چه اوستایی و چه پازند از نشانه  $L$  و در دستنویس‌های هندی از نشانه  $\&\&$  استفاده می‌شود.

• برای نشان دادن حرف پهلوی عبا قرائت  $A$  در تکواژ پایانی واژه، در متون ایرانی بطور معمول از نشانه اوستایی  $A$   $A$  استفاده می‌شود در حالی که پازند نویسان متون هندی نشانه‌های اوستایی  $L$   $L$  و  $A$   $A$  را بکار برده اند: پسوند  $Ag$  - :  $aB\&$  با، همراه با، شکند گمانیک؛ ارداویرافنامه؛  $aBA$  مینوی خرد؛  $aWA$  با، همراه با: نریمان هوشنگ؛  $kOxSAA$  ستیزنده: شکندگمانیک؛

• همچنین قدیمی‌ترین متون پازند پدید آمده در هند، برای نشان دادن  $a$  و  $A$  پایانی گاه از نشانه‌های  $a$   $a$   $a$  و  $A$   $A$   $A$  هم استفاده کرده‌اند:  $dAnA$  دانا: مینوی خرد؛ داراب؛  $d\&nA$  دانا: آنتیا؛  $Danaa$  شکندگمانیک؛

• در متون ایرانی بطور معمول بعد از واکه بلند  $L$   $L$   $\&$  نشانه غنه  $n$   $n$  نوشته می‌شود ولی در متون هندی نشانه مذکور حذف شده است و به نظر می‌رسد در قرائت تلفظ می‌شده است. به سخن دیگر در متون پازند هندی  $L$  اغلب ارزش آوایی  $Ln$  دارد:  $L$  آن: شکند گمانیک؛  $Ln$  نریمان هوشنگ؛  $\%zaTLn$  یزدان: آنتیا؛  $zuhUdL$  جهودان: شکند گمانیک؛

• ترکیب موصول و ضمیر شخصی متصل  $uS$  و  $ut$  متون پازند ایرانی، در متون پازند هندی به صورت  $WaS$  و  $Wat$  در آمده است.

• قرائت ایرانی  $aSvm Wohl$  و قرائت پارسی  $aSvm WohU$  یکی از نشانه‌های متون ایرانی و هندی پازند و اوستایی است.

### ب. ساخت جمله

در پیکره متون موجود پازند، گذشته از چند متن مشهور چون مینوی خرد و ارداویراف‌نامه، اغلب متن‌هایی که به پازند در آمده‌اند، متن پهلوی ندارند یا حتی بعدها از روی متن پازند، متن پهلوی برای آنها ساخته‌اند (دابار ۱۹۲۷: ۱-۳۵). با این وجود، مقایسه آنچه در دست داریم، نشان می‌دهد که پازندنویسان چندان وارد مقولات زبانی نشده‌اند و به ترکیب جملات دست نزده، بلکه تنها به نقل خط واژگان اکتفا کرده‌اند. آن‌ها بر واژه متمرکز شده و قرائت خود را به خط اوستایی نوشته‌اند. در نتیجه ساختار فراتر از واژه دستخوش دگرگونی نشده است.

### ۶ نتیجه گیری

براساس آنچه اشاره شد، پازند بخشی از میراث مکتوب سنت زردشتی در روزگار اسلامی است که اگرچه ادبیات به نسبت اندکی دارد ولی به لحاظ تحولات زبانی و فراز و فرودهای تاریخی کیش زردشتی مهم است.

خوانش و فهم متون پازند امری سهل و گاه ممتنع است. بررسی مفهوم پازند و مصادیق آن در طول زمان نشان می‌دهد هیچ‌گاه بر سر آن تفاهم و توافقی پایدار و فراگیر در درون و بیرون سنت زردشتی وجود نداشته است.

به موازت ابهام در مصادیق تاریخی این مفهوم، آنچه در روزگار متاخر سنت زردشتی به عنوان پازند یعنی نقل خط پهلوی به خط اوستایی می‌شناسیم، نیز در لفظ و املا پریشان مبهم و مغشوش است. بررسی ارزش نشانه‌های اوستایی بکار رفته در متون پازند، وندهای پر بسامد دستوری و فهرستی از واژگان تخصصی کیش زردشتی نشان داد که وحدت رویه املائی مشخص و قابل قبولی در پیکره متون پازند موجود دیده نمی‌شود. به سخن دیگر متون پازند تجلی قرائت‌های مختلف متون پهلوی و گزینش‌های متفاوت نشانه‌های اوستایی برای جایگزین ساختن نشانه‌های پر ابهام خط پهلوی است.

بنابر این، فهم درست و خوانش صحیح متون پازند بسته به بررسی سبک شناسانه آن‌ها است. هرچقدر مطالعه نسخ و بستر تاریخی متون با دقت بیشتری صورت بگیرد و متن‌ها با توجه به ویژگی‌های سبکی رده‌بندی بشوند، فهم زبانی و معنایی آن‌ها ممکن و در دسترس خواهد بود.

در فرایند تغییر خط پهلوی به اوستایی (پازند) ماهیت زبان تغییر نکرده است و حتی

قرائت‌های متفاوت سبب تغییرات ژرف دستوری نشده است. پس همان بهتر که به قول ژاله آموزگار "فن تغییر خط" بدانیم. پازند زبان نیست، زبان آن زبان پهلوی با تمام مشخصه‌های قابل بحث و بررسی آن است. مهم نیست متنی به خط پهلوی باشد یا خط اوستایی، چرا که خط عارض بر زبان است. شرط اصلی ماهیت زبان است. اگر پهلوی است، باید پهلوی محسوب شود و پهلوی خوانده شود. نه به اعتبار تغییر خط، زبان نیز تغییر ماهیت بدهد.

بر اساس بررسی بالا، نخست این که خط پر ابهام پهلوی از یک سو و نبود قرائتی متقن و استاندارد از زبان پهلوی از دیگر سو، می‌تواند سبب شود که خواننده قرائت‌های گوناگونی از یک واژه داشته باشد. قرائتی که خود نتیجه متغیرهای گوناگون است، از جمله: سنت و شیوه قرائتی که قاری در آن پرورش یافته و گویش و زبان معیار روزگار وی هم یکی از آن متغیرها است. اگر مهربان کیخسرو در سده هفتم یزدگردی قطعه‌ای از *ارداویراف نامه* را به خط فارسی می‌نویسد، در حقیقت قرائت خود را از متن پهلوی مکتوب می‌کند. خوانشی که بازتاب‌دهنده شیوه قرائت پهلوی دین‌مردان سیستانی است و تحت تاثیر زبان گفتاری و نوشتاری رایج در سیستان است. همچنین است، قرائت سده ۱۲ میلادی نریوسنگ داوول در هند و یا خوانش موبدان یزد و فارس در عصر روایات.

در حقیقت ما در پازندها با قرائت‌های متاخر زبان پهلوی یا دوره میانه زبان فارسی روبرو هستیم. چون خط روشن و گویا نیست، احتمال خوانش متفاوت بیشتر می‌شود. بنابر این در پازند ما با تحول زبانی روبرو نیستیم بلکه با نوعی خطای قاری مواجه هستیم، خطایی که ناشی از ابهام در خط متون است. دوم این که، زمانی این قرائت‌ها باز از هم متفاوت‌تر می‌شوند که خط مقصد نیز مشکلات و نارسایی‌های خود را داشته باشد. خط اوستایی اگرچه دقیق‌ترین خط در میراث ایرانی است ولی لباسی است که به تن زبان اوستایی دوخته شده است. خط پهلوی لباس بسیار تنگی است که به تن فارسی میانه پوشیده‌اند، حال اگر خط اوستایی را برای آن بکار بگیریم، درست مانند این است که لباسی گل و گشاد به تن آن بپوشیم، هردو مشکلات خود را دارد. در خطی که برای واج‌گونه‌ها هم نشانه دارد، انتخاب نشانه مناسب دشوار می‌شود، از این رو در پازند نویسی املائی متفاوت پدید می‌آید و همین خود قرائت‌های متفاوت را سبب می‌شود. در چنین شرایطی که ما با قرائت‌های متفاوت روبرو هستیم، وضعیت زبانی فریبنده پدید می‌آید، گونه‌ای زبانی میان صورت میانه و نو زبان فارسی.

این صورت به ظاهر متفاوت زبانی ارزش زبان نامیدن دارد یا نه؟ کدام دلایل موثق را

داریم که به اعتبار آن‌ها تغییر و تحولات صورت گرفته را در حد پیدایش زبان ندانیم؟ باید پذیرفت اگرچه در طی این نقل و انتقالات و خط به خط شدن متون، قرائت‌های متفاوت پدیدآمده است ولی این قرائت‌ها به اندازه‌ای نیست که گونه زبانی مستقلی را پدیدآورد زیرا

که: تغییرات روی داده تنها در سطح آواشناسی یا روبنایی‌ترین وجه زبان است. قرائت ۱۱۵ پهلوی چه به صورت pad و pa و یا "به"، هیچ تاثیری در معنی و مفهوم و دستور و یا دیگر سطوح زبانی ندارد. این قرائت به هر خطی نوشته بشود و به هر صورتی خوانده شود، اراده

قاری بر فهم همان متن پهلوی ۱۱۵ است. پس در این نقل خط حتی اگر هم با خوانش متفاوت روبرو هستیم، ذهنیت زبانی پدیدآورندگان و قاریان یکی است. وانگهی، آنچه سه دوره زبانی خانواده ایرانی را از هم جدا می‌سازد، تحولات دستوری عمیق است. دگرگونی زبان صرفی باستان به زبان تحلیلی مبتنی بر پر رنگ شدن نحو در دوره میانه، این دو دوره را از هم جدا می‌سازد و یا در دوره نو مهم‌ترین تحول از دست رفتن وجه مجهول و پدیده مطابقت فعل با فاعل دستوری بود (خانلری ۱۳۵۴: ۳۰۰/۱-۳۰۱، ۲/۱۰۸-۱۱۸). در پازندنویسی غیر از تحول آوایی، تغییر دیگری در زبان، از ساخت واژه تا ساختمان دستور روی نمی‌دهد.

وجه دیگر تحولات پازند، قرائت‌های نادرست ناشی از ابهام خطی است. در این صورت، غلط خوانی به اعتبار غلط بودن نمی‌شود مبنای تحول زبانی باشد، به عنوان نمونه اگر مهربان کیخسرو در قطعه فارسی شده ارداویرافنامه که در سطور بالا بدان اشاره شد، "نیکی و گرمی" را "نیکش و گرمش" خوانده است، به معنی این نیست که پسوند اسم معنی ساز پهلوی تغییر ماهیت داده است، بلکه این سهو یا ناتوانی قاری به سبب ابهام در خط پهلوی است که - **𐭥** - Ih- / را به صورت S- خوانده است. به سخن دیگر، زبان تحول پیدا نکرده بلکه قاری متحول شده است.

نکته دیگر این که به اعتبار زنده نبودن زبان نمی‌توان تحولات و قرائت‌های پازند را اصالت داد، پازند زبان سخن گفتن یا نوشتن نبوده است، بلکه "فن تغییر خط" متون است. اصالت با متن است، تغییر خط برای ابهام زدایی از متن است نه برای نگارش متنی دیگر. بنابر این نمی‌توان اصالت زبانی برای آن قائل شد. کاتبان پازند حتی اگر هم تحت تاثیر فارسی نو پهلوی را قرائت کرده باشند، معتقد به قرائت پهلوی بودند نه چیز دیگری، زیرا اگر در همان زمان هم از روی متن پهلوی می‌خواندند، به همین شیوه پازندنویسی می‌خواندند و اگر از آن‌ها می‌پرسیدی که چه می‌خوانید می‌گفتند، زند یا پهلوی می‌خوانند.

شاید آشنا‌ترین مثال برای فهم ماهیت پازند مقایسه آن با دو شیوه قرائت زبان‌شناسان از متون پهلوی باشد: یکی قرائت قدما که کتاب راهنما و آموزش پهلوی نیبرگ (چاپ ۱۹۷۴) نماینده آن است و دیگری، شیوه مکنزی که اثر معیار آن فرهنگ کوچک پهلوی است. اولی مبتنی بر سنت و خط پهلوی است و دیگری به قرائت متون مانوی توجه بیشتری دارد و اصالت را به زبان‌شناسی تطبیقی می‌دهد. همچنان که قرائت نیبرگ نماینده قرائت نسل نخست ایران‌شناسان غربی سده ۱۹ تا نیمه نخست سده ۲۰م است و قرائت مکنزی نسل پس از آن را نمایندگی می‌کند، پازند هم قرائت دین‌مردان زردشتی از متون پهلوی در طی سده‌های ۱۲-۱۸م است. واقعیت این است که همه این قرائت‌ها و شاید قرائت دیگری که در آینده اتفاق افتد، جملگی قرائتی از یک زبان مرده هستند و علی‌رغم صحت و سقم آن‌ها، تاثیر چندانی بر ماهیت زبان پهلوی ندارند و بهتر که فراتر از قرائت هم بدان‌ها نپردازیم.

نکته پر اهمیت دیگر درباره ارزش زبانی پازند و پیوند آن با گویش‌شناسی و تحولات زبان فارسی است. ژیلبر لازار در مطالعات متمرکز خود درباره چگونگی شکل‌گیری زبان فارسی به موضوع پازند و ارزش‌های زبانی آن نیز توجه کرده است. او به وجود دو گویش شمالی (در خراسان بزرگ) و جنوبی (از خوزستان تا سیستان) تا پیش از شکل‌گیری زبان فارسی ادبی و کلاسیک، قائل است. گویش شمال تبدیل به زبان ادبی و معیار و ابزار ارتباطی جهان فرهنگی ایرانیان در پس از اسلام شد ولی گویش جنوبی که به پهلوی ساسانی بسیار نزدیک بود، رد آن را ترجمه قرآن قدس، متون فارسی یهودی و پازندها می‌توان پی‌گرفت (۱۳۸۴: ۱۴۳-۱۹۶). اگرچه کلیت این سخن می‌تواند درست باشد و متون پازند خالی از سودمندی‌های گویش‌شناسی نیستند اما باید گفت، شاید در این باره نیاز باشد تا اندکی بیشتر اندیشید. زیرا که پازندها متونی یک دست نیستند. در پازندنویسی اصول مدونی برای نگارش و تغییر خط متن‌ها وجود ندارد، در نتیجه ما با رویه‌های متفاوت روبرو هستیم. چنان که اشاره رفت، دو رویه یا سبک پازندنویسی هندی و ایرانی قابل تشخیص و تمیز است. هریک از این دو رویه یا سبک باز در طول زمان دستخوش تغییر و تحول شده‌اند. رویه نریوسنگ داوول و شاگردان و پیروان وی در سده ۱۲م با رویه پازندنویسان سده ۱۸م نقاط مختلف هند متفاوت است. در ایران هم که با عصر روایات پازندنویسی بطور جدی آغاز می‌شود، با پازندنویسی متون دوره قاجار بسیار متفاوت است. به سخن دیگر، ما در پازندهای موجود با تنوع روبرو هستیم. پس نمی‌توان حکم کلی صادر کرد. بلکه قبل از هرچیز باید به متن‌شناسی و رده‌بندی متن‌ها پرداخت و دید که متن یاد شده کی و کجا و به وسیله چه کسی تهیه و تدوین شده است؟ و

آنگاه ارزش گویشی آن را دریافت. به عنوان مثال، انتساب صورتهای گویشی "بهت" و "شہت" در قرآن قدس، متون پازند و متون فارسی یهودی به سیستان (لازار ۱۳۸۴: ۱۹۰-۱۹۱) با متن کهن پازند ارداویرافنامه به خط فارسی (دستنویس k20) که اواخر سده هفتم یزدگردی در هند توسط مهربان کیخسرو از دین مردان یک دودمان معتبر زردشتی اهل سیستان نوشته شده است (نک. سطور بالا)، همخوانی ندارد.

به هر روی ارزش زبانی پازند در گرو شناخت و رده‌بندی دقیق متون و پذیرش آن‌ها به عنوان قرائتی معطوف به زمان از متون پهلوی است. قرائتی که عوامل و متغیرهای فراوانی در پیدایش آن نقش دارد. یکی از این عوامل زبان گفتاری محلی یا معیار پازندنویس است ولی عامل و متغیر دیگری چون سنت آموزشی او در قرائت پهلوی به مراتب مهمتر است. چه بسا که یک پازندنویس سیستانی، مهاجری از زردشتیان منطقه ری بوده باشد و سنت قرائت او بس متفاوت از دین مردان سیستانی است، در حالی که ما او را به سیستانی می‌شناسیم و انتظار ویژگی‌های سیستانی را از او داریم. در هند هم وضعیت به همین منوال است: راهی که نریوسنگ داوول باز کرد، هرچند سال‌ها الگو بود ولی فراموش نکنیم، عصر روایات و احیای روابط ایرانیان با پارسیان و آموزش پهلوی توسط موبدان ایرانی به آنان، بی‌گمان بر قرائت پهلوی ایشان موثر بوده است.

## منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). *زبان فرهنگ اسطوره*. تهران: معین.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۵). «زند». *دانشنامه جهان اسلام*. ج ۲۱، ۶۷۲-۶۶۹.
- تاواریا، جهانگیر (۱۳۵۵). *زبان و ادبیات پهلوی*. ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران: دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. به‌کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- خانلری، پرویز (۱۳۵۴). *تاریخ زبان فارسی*. ۲ ج، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- داراب (۱۹۲۲). *روایات داراب هرمزدیار*. بمبئی: چاپ اونوالا.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۹۹ ب). *متون فارسی زردشتی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). *شکل‌گیری زبان فارسی*. ترجمه مهستی بحرینی، تهران: هرمس.
- مزدایور، کنایون (۱۳۸۵). *خرده‌اوستای ملبه‌روز*. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- هوفمان، کارل (۱۳۶۹). «پیرامون فهرست نشانه‌های خط اوستایی». ترجمه بهنام خان‌خلیلی، فرهنگ. س ۱، ش ۶، ۲۱۶-۱۹۹.

Antia (1909). *pazand texts*. Bombay.

Dhabhar, B. N. (1927). *Zand-I Khurtak Avestak*. Bombay.

Dhabhar, B. N. (1923). "Descriptive Catalogue of All Mss". *the First Dastur*



- Meherjirana Library-Navsari*. Bombay.
- Haug, M., & D. H. Jamaspji Asa, & E. W. West (1872). *Ardaviraf, Gosht i Frayano and Hadokht-Nask*. Bombay and London.
- Haug, M. (1883). *Essays on the sacred language, writings and religion of the Parsis*. Edited by E. W. West, London.
- Jamasp Jamaspasana, H. J., & E. W. West (1887). *Shikand Gumanik Vijar*. Bombay.
- Nyberg, H. S. (1974). *A manual of Pahlavi*. vol. I, Wiesbaden.
- Spiegel Memorial Volume (1908). *Papers on Iranian subjects*. Bombay.
- Spiegel, F. (1860). *Die traditionelle literatur der parsen*. Leipzig.
- Spiegel, F. (1851). *Grammatik Parsisprache*. Leipzig: Verlag von WilhBengejmann.
- Unvala, J. M. (1940). *Collection of Colophons of Manuscripts Bearing on Zoroastrianism in Some Library of Europe*. Bombay: Trustees of the Parsee Panchayet Funds and Properties.
- West, E. W. (1871). *the book of the Mainyo-I khard the Pazand and Sanskrit texts as arranged by Neriosengh Dhaval*. London.
- West, E. W. (1896-1904). "Phlavi Literature". *Grundriss Der Iranischen Philologie*. Band II, edited by Wilhelm Geiger and Ernst Kuhn, Strassburg: Trübner, 75-129.